هندوئیزم در میزان آموزه های اصلی آن، عقل و فطرت سلیم

پرسش و پاسخ

دکتر هیثم طلعت

شركاء التنفيذ:









Telephone: +966114454900
ceo@rabwah.sa
P.O.BOX: 29465
RIYADH: 11557
www.islamhouse.com

بنام الله، وثنا و صفت الله را است، و درود و سلام بر فرستادهٔ الله و بر خانواده و یاران و فادارانش باد،

اما بعد:

هندوئیزم ممکن است یک دین باشد، اما در تعریف دقیق تر آن یک روش در زندگی است.

پیروان هندوئیزم حدود ۱۵٪ جمعیت جهان را تشکیل می دهند، و پیروان آن بیش از یک میلیارد و دوصد میلیون انسان می باشد.

هندوئیزم در طول تاریخ زیاد تغیر کرده است...

هندوئیزم پس از عصر وداها Vedas مملو از مشکلات ذهنی، علمی و فطری شد که در این کتاب به بررسی برخی از آنها خواهیم پرداخت.

آری!

هندوئیزم به شدت از آموزه های وداهای اصلی (منابع اصلی هندوئیزم) فاصله گرفته و از آموزه های مردم، گوشه نشینان و بهاگاواد گیتا پیروی کرده است.

باگاواد گیتا भगवद्गीता Bhagavad Gita و تانتراهای باطنیTantras

در این کتاب کوچک، سعی خواهم کرد هندوئیزم فعلی را توسط عقل، علم مدرن، منطق و آموزه های اصلی وداها را که تا اکنون در دست هندوها است قضاوت نمایم، و مطمئن هستم که بقایای حق که در وداها و در غریزه هندوها هستند کافیست تا هندوها را در سلامتی کامل به دین حق هدایت کنند.

وداها: بطور مطلق مقدس ترین کتاب های هندوئیزم هستند.

فطرت عبارت از دافع و انگیزه یی جهت نگریستن به هدف وجودی انسان و سرنوشت او، جهت دادن این انگیزه به سوی ایمان به الله و بندگی او در آنچه تشریع کرده است می باشد.

و دین حق عبارت از پیامی است که بقایای حق را در وداها در برگرفته و صدای فطرت و وحی الله به جهانیان و پیام گفتاری از آثار توحید الله در آموزه های اوپانیشاد Upanishad उपनिषद् است.

در این کتاب کوچک سعی می کنم مقایسه ای ساده بین هندوئیزم عصر وداها و هندوئیزم امروزی انجام دهم!

هندوئیزم خیلی تغیر کرده است...

از بقایای آموزه های توحیدی پاک و خالص وداها دور شده است، و در هندوئیزم کنونی اعتقاد به وحدت وجودی را درمیابی که در آن خالق با مخلوق آمیخته شده و مخلوق همان خالق می شود، و این باور عجیب نه تنها با آموزه های صریح وداها در تناقض است بلکه با اساسات عقلی نیز در تضاد است، زیرا چگونه خدا در همه چیز قرار دارد، پس شما ای هندو زمانی که با مجموعه ای از مراسم و اعمال به دنبال رسیدن به خدا هستید در حالیکه آن خدا در شماست؟

آیا این یک اشکال عقلی آشکار نیست؟

گذشته از این، اعتقاد به وحدت وجود، حقیقت نسبی را می طلبد، همه ادیانی که بت ها یا سنگ ها را می پرستند، در نهایت خدا را می پرستند، زیرا بر اساس این عقیده، خدا بت و سنگ است، پس خدا در همه چیز حضور دارد و او همه چیز است.

و نسبی بودن حقیقت معنا و ارزش را از بین می برد، همان طوری که در کتاب توضیح خواهم داد.

علاوه بر موارد فوق الذکر، وداها بگونۀ صریح به ایمان به خدای جداگانه از مخلوقش دعوت می کنند، پس این مخلوقات همه مخلوقات الله هستند و مخلوقاتش نمی توانند که در وی حل و یا قرار گیرند.

یا الله !خورشید و جهان نمی"[1] :می گویند ،ऋग्वेद وداها، به ویژه در ریگ ودا توانند تو را احاطه کنند و تو را دربرگیرند."

این دلیل روشنی از وداها به نادرست بودن عقیدۀ وحدت وجود است، زیرا الله از مخلوق خود مستقل است.

و در هندوئیزم کنونی، اعتقاد به انتقال ارواح را می‌یابید، جایی که روح انسان‌ها پس از مرگ به موجودات دیگر منتقل می‌شود تا در مخلوق زنده دوباره متولد شود، و این که هر انسان یک زندگی قبلی در وجود مخلوق زندۀ دیگری داشته است، و بهمین تسلسل، این عقیده مشکلات زیادی را ایجاد می کند، اگر تناسخ ارواح درست باشد، چرا نوزادان با توانایی های عقلی مشابه بالغان متولد نمی شوند؟[2]

سپس عقیدۀ انتقال ارواح بنابر تسلسل تولدهای مکرر است، این چگونه ممکن است در حالی که علم معاصر ثابت کرده است که زندگی آغازی دارد، و زمین به ذات خود نیز آغازی داشته و ماندگار نیست.

سپس اگر انتقال ارواح درست باشد، فرض بر این خواهد بود که تعداد موجودات زنده ثابت بماند، چون موجودات در بین یکدیگر انتقال پیدا می کنند، و انسان معاصر هرگز این سخن را نمی گوید!

---

[1] http://[1]stholistic.com/prayer/hindu/hol_hindu-samsara-and-karma.htm[22] (این سایت وابسته به یک مجله بودایی است که تحقیقات شناختی در مورد بودیزم و آیین های آن ارائه می دهد.)

[2] Cogan, Robert. (1998), Critical Thinking: Step by Step, University Press of America, pp. 202–203.

مهمتر از آن این است که وداها در مورد انتقال ارواح چیزی نمی گویند، در حالی که دانشمند هندو، شری استیاکام و دیلانکار می گوید: "عقیدۀ انتقال و تناسخ در وداها وجود ندارد، و من کسانی را که چنین می گویند، به چالش می کشم[3] ".

بهترین دلیل بر صحت سخنان دیلانکار این است که هندوها یک مراسم مذهبی باستانی به نام «شارادا Śrāddha श्राद्ध» را انجام می دهند، و هدف این مراسم تسکین روح مردگان است.

پس چگونه ارواح انتقال می یابند در حالی که در ارواح مردگان ساکن هستند ؟

از جمله اعتقادات هندوئیزم فعلی نیز اعتقاد به کارما است؛ این که انسان ها بر اساس کارما در نتیجه اعمال قبلی خود به دنیا می آیند، بنابراین هر که فاسد باشد در یک زندگی جدید دیگر در طبقه پایین تر یا با مشکلات بزرگتر متولد می شود.

بنابراین، هندوها بسوی فرد مصیبت زده بر اساس ارتکاب گناهان زندگی گذشتۀ او نگاه می کنند، این تصور غلط تحریف شده زندگی را بطور کامل برهم میزند، و این فرد هیچ خدمتی برای بشریت ارایه نمی دهد، چون خود را ملزم میداند هر مصیبتی که برایش رخ می دهد مجازات طبیعی است از جنایتی که در زندگی قبلی انجام داده است، این نوعی از توافق عقب ماندگی، بی عدالتی و طبقاتی است.

بزرگترین مشکل این است: این عقیدۀ کارما در کجای وداها جا دارد؟

وداها به صراحت می گویند که بهشت و جهنمی وجود دارد که الله آنها به مردم بر اساس اعمال شان می دهد، و تولد دوباره در زندگی های دیگر وجود ندارد.

---

[3].اوکمن، ص 104، به نقل از کتاب :دعوت هندوها به اسلام، ص 99

ریگ ویدا می گوید: مرا جاودانه بدار در جایی که همه خوشی ها و لذت ها در آن قرار داده شده است، جای که در آن آنچه را که نفس ها می خواهند داده می شود»[4].

همچنین از جمله عقاید اساسی در هندوئیزم کنونی: تلاش برای رهایی از تولدهای مکرر و انتقال ارواح و رسیدن به مرحله ای که به عنوان "موکشا Moksha मोक्ष" شناخته می شود - که در آن انسان با ذات الهی یکجا می شود - می باشد، همچنان از جمله عقاید اساسی در هندوئیزم کنونی: تلاش برای رهایی از ولادت ها می باشد، اما این تصور مبتنی بر نگاهی کاملا بدبینانه به جهان هستی است، بنابراین هدف جهان هستی تلاش برای رهایی از جهان هستی می باشد!

این مفکوره برای جامعه خطرناک است، زیرا فرد را از ترس دور می دارد، به هر پیمانه که مرتکب فحشا شود او دوباره متولد می شود و روزی در یک تولد آینده نجات پیدا می کند.

این کاملاً بر خلاف آموزه‌های وداها است که بر اینکه ستمکاران و گناهکاران در جای مخصوص خودشان مجازات می‌شوند تصریح می کند، همانطور که ریگ ودا می‌گوید: «جایی بسیار عمیق، با کف عمیق برای گناهکاران». [5]

پس این مکان در کجای نظریهٔ ولادت های متکرر است؟

اما برجسته ترین مشکلات علمی فعلی هندوئیزم، عبارت از دیدگاه آنان در مورد ماهیت منشأ جهان است، هندوئیزم فعلی فرض می کند که جهان منحل گردیده و سپس مجددا شکل می گیرد و به همین ترتیب تا بی پایان ادامه می یابد، و این یک اشتباه علمی عجیب است که با علم معاصر در تضاد است.

---

[4].ریگ ودا، ماندل :9، سوکت :113، مینترا :9-11

[5].ریگ ودا، مندل :4، سوکت :5، مینترا :5

و معلوم است علم معاصر بیان می دارد که این جهان مطلقا یک آغاز داشته و این که هیچ جهان دیگری قبل از آن وجود نداشته است.

جهان از نظر علمی مخلوق است... بگونۀ آفریده شده که هیچ نمونه قبلی نداشته است.

به هر حال، این همان عقیده ای است که در وداها وجود دارد، در وداها زندگی دنیوی وجود دارد که ناگهان پدیدار شده است و زندگی اخروی وجود دارد، و در مورد فلسفه هایی که در مراحل متأخر هندوئیزم مانند پوراناها Puranas داخل گردیده است، در آن از تکرار جهان و ازلیت آن واضح گفته شده است.

هندوئیزم امروزی با عقیدۀ وداها، با علم معاصر، و اسلام که حقیقت را در پی دارد و چیزی را که وداها گفته اند، در تضاد است.

عقیده مسلمانان که الله در قرآن کریم نازل نموده این است که عالم بدون نمونه قبلی ظاهر شده است، الله متعال در کتاب خویش می فرماید:

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ١١٧﴾ [البقرة: 117]

"[او] پدید آورنده آسمانها و زمین [است] و چون به کاری اراده فرماید فقط می گوید [موجود] باش پس [فورا موجود] می شود".

پس جهان در مفهوم اسلام پدید آمده است، یعنی: برخلاف نمونه قبلی ظاهر گردیده است.

این همان چیزی است که علم به آن رسیده است، و این چیزی است که مردی که 1400 سال پیش گوسفندان را می‌چراند به نام محمد بن عبدالله، رسول الله و پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم خبر داده است.

در این کتاب، بسیاری از مشکلات که پیش روی هندوئیزم قرار دارد را مورد بحث قرار می دهم، و در عین حال دیدگاه اسلامی را نسبت به جهان، زندگی،

پاداش و کیفر و هدف هستی ارائه می کنم که کاملاً با بقایای وداها و با سرشت سازگار می باشد.

و این نکته را هم توضیح خواهم داد که چگونه اسلام دقیق ترین، مطمئن ترین و حکیمانه ترین الگو در پاسخ به نیاز انسان برای دانستن چگونه زیستن می باشد، و در تحلیل معنای وجود انسان و هدف از وجود انسان که مطابق با سرشت و عقل و دانش باشد.

این کتاب بعضی شواهدی را جهت درستی دین اسلام، و مژده های که از این دین را وداها ارائه نموده تقدیم می دارد، وداها به اسلام و رسول الله صلی الله علیه وسلم مژده داده اند، و هندوها را فرا می خوانند تا بر وی ایمان بیاورند.

اسلام روی زمین یک دین در بین ادیان نیست، بلکه اسلام یگانه دین یگانه پرستی یی است که الله همه پیامبران را با آن مبعوث کرده است، و همه انبیا با دعوت مردم بسوی توحید آمده اند و بر این توحید ناب امروز جز اسلام باقی نمانده است، در حالی که ادیان دیگر کم و بیش سهمی از شرک را خود جا داده اند.

الله متعال از بشر هیچ دینی جز اسلام را نمی پذیرد، الله متعال در کتاب خویش می فرماید:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٨٥﴾ [آل عمران: 85]

“و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است ”

پس اسلام دینی است که الله همه انبیا و رسولان را با آن فرستاده است.

ویژگی اساسی اسلام این است که: در آن معنای واقعی تسلیم در برابر الله و عبادت تنها الله می باشد، و نفی هرگونه تجسم الله در بت ها و یا مجسمه ها بشکلی که در هندوئیزم فعلی وجود دارد می باشد.

سپس این کتاب با توضیح این که انسان چگونه به الله تسلیم می شود، و این که معنای اسلام و ضرورت به اسلام چه هست، پایان می یابد.

پس بیایید سفر کتاب را با برکت الله آغاز کنیم ...

هندوئیزم چیست؟

هندوئیزم :یک دین یا به معنای صحیح تر» :شیوه زندگی «که شامل تعدادی[6] مراسم، مناسک، عبادت ها، کتاب های مقدس، و مفاهیم کیهانی و وجودی می باشد است.

هندوئیزم در طول قرن‌های متمادی و از طریق مجموعه‌های پیچیده آموزه‌هایی ،که نظام اعتقادی متنوع و گاه متناقضی را تأیید می‌کنند، شکل گرفته است ،هندوئیزم امروزی با این مسئله مشکلی ندارد، زیرا هندوئیزم امروزی عقیدۀ واحد .و یا مرجع واحد و یا یک متن الزام کننده ندارد که به آن رجوع شود

کاملا مقدس ترین کتاب های هندوها هستند، اما هندوها همانطور که در این کتاب نشان خواهیم داد، به طور معجزه آسایی با آنها مخالفت می نمایند، و به این ترتیب هندوئیزم برخلاف وداها، تصورهای گوناگون و مفکوره های متفاوتی را می پذیرند که هیچ ربطی به دوره اول وداها ندارد.

در کل هدف هندوئیزم رهایی از رنج و مشکلات است، ما بعداً توضیح خواهیم داد که به مفهوم آنان چگونه می توان از رنج رهایی یافت، و این که چگونه عقیدۀ

6.تحقیق هندوئزم، آروبند شرما)ترجمه نشده(

وداها را در مورد رهایی که در آن بقایای زیادی از حقیقت است زیر پا گذاشتند .[7]

این دین چگونه با این درهم آمیختگی به وجود آمد؟

هندوئیزم به معنای هند است :و هند دولت، آب و هوا، تاریخ، درهم آمیختگی و سنت ها است.

می توان گفت که این یک دین تقریباً انحصاری در هند است، هند حدود 95 درصد از هندوهای جهان را در بر می گیرد.[8]

هندوئیزم از میراث نخستین وداها پدید آمد، اما متأسفانه با فلسفه ها، عقاید، کتاب ها و تصوراتی که در طول قرن ها شکل گرفته بود، آمیخته شد، هندوئیزم پس از ودا از آموزه های زاهدان، تانتراهای باطنی Tantrasو باگاواد گیتا भगवद्गीता. پیروی نموده است.

از حدود 1500 قبل از میلاد تا سال 500 پس از میلاد، سیل بزرگی از تصورها و فلسفه ها بر وداها سایه افگند، تا جایی که امروزه جز این تصورها و فلسفه ها را در ظاهر چیزی دیگری نمی بینیم.

عقیدۀ هندو دقیقا چیست؟

هندوئیزم امروزی اعتقادی است که به تعداد زیادی از خدایان ایمان دارند، در خدایان بی شماری وجود دارد، با وجود این هندوها به وجود الله یکتا هندوئیزم اعتقاد دارند.

---

7 هندوئیسم :عقیده و عمل، جینین دی .فاولر (.ترجمه نشده)

[8] http://www.pewforum.org/files/2012/12/globalReligion-tables.pdf

آنها تصور می کنند که خدا در تمام این ریخته گری هایی که آنها تقدیس می کنند وجود دارد.

در اینجا ممکن است برخی تصور کنند که :اعتقاد هندوها به خدای واحد و اعتبار دادن این که این مجسمه ها و ریخته گری ها تصوری از خدا هست، بت پرستی نیست!

این اشتباه بزرگ است!

این عقیده که مجسمه ها تصاویری از الله یگانه هستند، منشأ عقیدۀ بت پرستی است که با تعالیم پیامبران و آموزه های وداها در طول تاریخ بشر در تضاد است.

همه مشرکانی که با پیامبران و آموزه های وداها مخالفت می کردند به الله ایمان داشتند، اما آنها بت ها را نماد الله می پنداشتند، اعتقاد مشرکان به وجود الله و این که الله یک است از آنها کفر به الله و کفر به پیامبران و کفر به وداها را نفی نمی کند تا زمانی که این بتها را می پذیرند.

عقیدۀ وداها در حرام دانستن پرستش بتها، یا نزدیک شدن به آنها، و یا تقدیس آنها روشن و قاطع است.

وداها می گویند :هر کس جز الله چیزهای ساخته شده را بپرستد، در تاریکی غرق می گردد و عذاب آتش را برای همیشه خواهد چشید[9]

طبق وداها هر کسی که این بت ها را که امروزه دین هندو از آن مملو است بپذیرد در آتش جاودانه خواهد بود.

وداها همچنین می گویند :مالک همه چیز بر غیب داناست، که نیازی به یاری خدایان دیگر ندارد، این همان الله و سزاوار است تا انسان وی را پرستش کند، و

9.جار ودا، سوکت :۴۰، منترا :۹ [۹

آنان که معبودان دیگری را غیر از الله می پذیرند، آنان بدبختان، و همیشه بلاهای بزرگ و ترسناک را می یابند[10]

ذکر شده است" :کسانی Bhagavad Gītā भगवद्गीता بلکه در باگاواد گیتا که خدایان را می پرستند، خدایان را دریافت می کنند، کسانی که اجداد را می پرستند اجداد دریافت می کنند، و کسانی که شیطان را می پرستند شیطان را دریافت می کنند، و کسانی که مرا می پرستند مرا خواهند یافت11

این همه متن ها و بسیاری دیگر به صراحت هندوها را برای یگانه دانستن الله و ترک نمودن بت ها فرا می خواند، حتی ماهارشی دیانند سرسوتی می گوید" :در "وداها کلمۀ وجود ندارد که بر پرستش بت های سنگی و غیر آن دلالت کند.

هندوها عقیدۀ توحید وداها را ترک نکردند مگر از طریق آموزه های نادرستی که در مراحل بعدی و متأخر بوجود آمده است.

قرآن کریم که الله بر پیامبرش محمد صلي الله عليه وسلم نازل کرده است، تصدیق مي کند که بت پرستان ادعا می کنند که به الله یگانه ایمان دارند، ولي با گرفتن این بت ها به الله کفر ورزیده اند.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ...﴾ [الزمر: 38]

"و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده قطعا خواهند گفت الله"

الله متعال می فرماید:

10ریگ ودا، مندل 1، سوکت :7، مینترا :9

[11].بهاگاواد گیتا، 9-25

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ٨٧﴾ [الزخرف: 87]

“و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را خلق کرده مسلما خواهند گفت الله”

پس با اتفاق قرآن و وداها پذیرفتن این بت ها انسان را به الله کافر می سازد.

الله متعال در قرآن کریم می فرماید

﴿إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًاۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ١٧﴾ [العنكبوت: 17]

”واقعا آنچه را که شما سوای الله می پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی سازید در حقیقت کسانی را که جز الله می پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند پس روزی را پیش الله بجویید و او را بپرستید و وی را سپاس گویید که به سوی او بازگردانیده می شوید”.

پس از الله روزی بخواهید و تنها او را بپرستید، او ذاتی است که همۀ ما به وی باز خواهیم گشت.

امروز جز اسلام دین دیگری در روی زمین استوار به توحید الله و نفی نمودن هر گونه شرک باقی نمانده است.

بنابراین هر هندو باید با بصیرت و بدون تعصب به موضوع اسلام نگاه کند، و به عقیدۀ توحید در این دین بنگرد که آیا با سرشت او و با آنچه که وداها عقیده دارند موافق است یا خیر؟

دعوت همه پیامبرانی که الله برای بشر فرستاده است استوار بر یگانه پنداشتن الله در عبادت است، و این با از بین بردن همه بتها و تسلیم شدن در برابر آنچه رسولان

الله آورده اند که خاتم آنان محمد بن عبدالله - صلى الله عليه وسلم - است امکان پذیر می باشد.

چگونه در هندوئیزم مفکورۀ تمثیل الله یگانه با ده ها بت بوجود آمد؟

اصلی هندوئیزم کنونی پس از عصر وداها در این فرضیه است که صفات مشکل متعدد خدا مستلزم نفس های متعدد است، یعنی :نیازمند خدایان متعدد است

آنان تصور می کنند که هر صفت الهی بتی دارد که نمایانگر همان صفت است.

پس خالق نزدشان اینها هستند:

برهما :خالق هستی است.

و ویشنو :حافظ هستی است.

شیوا :ویران کنندۀ جهان[12]

این تصوری است که همراه بدیهیات عقل و فطرت منافات دارد و با آنچه در وداها آمده در تضاد است، زیرا کثرت صفات مستلزم تعدد نفس نیست.

چون یک انسان ممکن است فردی باهوش، قوی و نیز ادیب باشد.

پس تعدد صفات مستلزم تعدد انسان نمی باشد.

چون انسان باهوش همان انسان قوی و همان ادیب است.

و برای الله متعال مثال والای است

---

[12] .موسوعة الفلسفة الشرقية والدين، ستيفان شوماخر، ص397

وداها نیز همین حقیقت را تأیید می کنند، چنانکه در ریگ ودا آمده است» :آن را اندر، میتر و وایو گویند و آن ماتراشوا است، عاقلان از الله یگانه با نام های مختلف یاد می کنند.[13]

در متن های وداها نام ها و صفات الله زیاد است.

نام ها و صفت ها در ذات یگانه قرار می گیرد.

این چیزی است که وداهای نخست و عقیدۀ اسلامی بر آن استوار است، چون همه صفت ها و نام های نیکو و صفت های عالی برای الله سبحانه و تعالی است، الله متعال می فرماید

﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣﴾ [البقرة: 163]

” و معبود شما معبود یگانه ای است که جز او هیچ معبودی نیست [و اوست] بخشایشگر مهربان”.

پس الله همان بخشایشگر و همان مهربان است.

الله متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣﴾ [الحشر: 23]

”اوست الله که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت [بخش و] مؤمن [به حقیقت حقه خود که] نگهبان عزیز جبار [و] متکبر [است] پاک است الله از آنچه [با او] شریک می گردانند”.

---

[13].ریگ ودا :ماندل :1، سوکت :164، مینترا :46

تعدد نام ها و صفت ها برای الله واحد و یگانه تعلق می گیرد.

مشکل دوم در مفکورۀ تجسم صفت های الله در اشکال بت های مختلف است، که در موجودیت این بت پرستی هیچ امنیت برای جهان هستی وجود نخواهد داشت.

بنابراین، قرآن کریم همه این مفاهیم مشرکانه را از الله متعال نفی می‌کند، و ثابت می‌کند که گرفتن خدایان با الله، ناامنی کل هستی را ایجاب می‌کند.

﴿لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ٢٢﴾ [الأنبياء: 22]

" اگر در آنها [زمین و آسمان] جز الله خدایانی [دیگر] وجود داشت قطعا [زمین و آسمان] تباه می شد پس منزه است الله پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند".

اگر با الله معبودانی بودند، آسمانها و زمین تباه می شد.

﴿وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِذِكۡرِهِمۡ فَهُمۡ عَن ذِكۡرِهِم مُّعۡرِضُونَ٧١﴾ [المؤمنون: 71]

" و اگر حق از هوس های آنها پیروی می کرد قطعا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می شد [نه] بلکه یادنامه شان را به آنان داده ایم ولی آنها از [پیروی] یادنامه خود رویگردانند".

هندوها به رابطۀ خالق و مخلوق چگونه می نگرند؟

مخلوق یکجا بیشتر هندوهای امروزی به وحدت وجود معتقدند، بگونۀ که خالق با می شوند، و خدا در هندوئیزم کنونی در مخلوقات خود ساکن می شود، بگونۀ که می شوند موجودات و پیدا کننده یک چیز.[14]

و این امر برخلاف ساده ترین بدیهیات علم، عقل، مشاهده و ودا است.

در فلسفه وحدت وجود اشکالات علمی و عقلی فراوانی وجود دارد، من جمله:

اشکال نخست :از دید آنها خدا در همه چیز وجود دارد، پس منظور از انجام मोक्ष Moksha «مراسم برای رسیدن به یکجا شدن با خدا که به» :موکشا معروف است، چه می باشد؟

چگونه به چیزی که در شما هست می رسید ...چون تو در آن حل شده ایی و او در تو حل شده است؟

اشکال دوم :لغزش ها و گناهان در مفهوم آنها برای وحدت وجود، همان ذات خداست، زیرا خدا نزد آنها همان لغزش، گناه، زنا و قتل است، پس او در همه چیز حل شده است، و او ذات همه چیز است؛ پس چرا از لغزش ها و گناهان خود را رهایی می بخشند؟

آنها چرا اینقدر حریص هستند که از شهوت ها و امیال دنیوی دور باشند؟

آیا گناه ضمن وحدت وجود نیست؟

مگر خود دنیا همان خدا نیست؟

هیچ توجیهی برای حرص ورزیدن به انجام کار خیر بر اساس این تصور هندوی امروزی وجود ندارد.

---

[14].دایره المعارف هندوئیزم، جونز، و رایان و جیمز دی، ص 315)ترجمه نشده(

اما همه حرص می ورزند که کار خوب را انجام دهند و می دانند که این یک وجیبه است، آیا این چنین نیست؟

پس حرص ورزیدن به انجام کار نیک همان پاسخ به آواز فطرت پاک است، پس این دلیل مستقیم فطری بر خطا بودن فلسفهٔ وحدت وجود است.

اشکال سوم :اعتقاد به وحدت وجود، مستلزم بیان نسبیت حق است، زیرا همه ادیانی که بت ها یا سنگ ها را می پرستند برای آنها خداپرستی است، زیرا خدا در تصور آنها همان بت و همان سنگ است، پس خدا در همه چیز است و او همه چیز است.

این نسبی بودن حقیقت مستلزم از دست دادن معنا و ارزش است، همه چیز درست !پنداشته می شود

به موارد فوق این را نیز اضافه کنید که عقیده داشتن به وحدت وجود این پرسش را پاسخ نمی دهد که :جهان از کجا آمده است؟

پس با فرض اینکه خالق همان مخلوق است از لحاظ عقل یک فرضیهٔ پوچ است، زیرا فرض را بر این می گیرند که ظاهر شدن چیزی به ظاهر شدن آن بستگی دارد.

و این یک تناقض عجیب، و از لحاظ عقل غیر ممکن است.

پس چگونه یک چیز می تواند دلیلی برای ظهور خودش باشد، تا زمانی که آن خود قبلاً ظاهر نشده باشد؟

اشکال چهارم :از نظر علمی نیز ثابت شده است که جهان هستی با هر آنچه در آن است، آفریده شده)حادث (است، این نزد همه صاحبان خرد ثابت است.

پس جهان با تمام انرژی و مواد و مکان و زمانش ...آفریده شده)حادث (است.

:و با دلایل زیاد ثابت شده است که جهان آغازی داشته است، از لحاظ علمی جهانی وجود نداشت که پس از آن این جهان ظاهر شده باشد.

هرگاه جهان وجود نداشت، پس :چگونه از وحدت وجود سخن بگوییم؟

اگر وحدت وجود درست باشد، مستلزم ازل بودن جهان می باشد، و یا حداقل مستلزم ازل بودن ماده می باشد.

عجیب این که، هندوهای معاصر بر ازل بودن جهان مادی اصرار دارند، زیرا این سخن ضروری است که وحدت وجود را توجیه می کند.

می گوید » :برای مکان زمان جاری Wiwekanand دانشمند هندو وویکانند نمی شود، و برای آن اتفاقی نمی افتد[15]

هندوهای معاصر جهت اتفاق با نظریهٔ وحدت وجود، ناگزیر باید بگویند که جهان مادی ازلی است.

و آنها وارد آن نمی شدند، و آنها در ابتدا اعتقاد به وحدت وجود نداشتند، اما شیطان در راه های بنی آدم نشست، و او که هر وقت فرصتی پیدا نماید بنی آدمان را از دین انبیا منحرف می کند.

الله متعال در حدیث قدسی می فرماید:

إنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلَّهُمْ، وإنَّهُمْ أَتَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عن دِينِهِمْ، وَحَرَّمَتْ عليهم ما أَحْلَلْتُ لهمْ، وَأَمَرَتْهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بي ما لَمْ أُنْزِلْ به سُلْطَانًا"

. همانا من همه ی بندگانم را مسلمان و بر راه راست آفریدم؛ اما شیطان ها نزد آنها آمده و آنان را از دین شان منحرف می کنند و آنچه را که من برای آنان حلال قرار دادم، حرام می نمایند؛ و آنها را وادار می کنند تا چیزهایی را با من شریک کنند که دلیلی برای آن نازل نکرده ام.

---

[15] هندوئیزم، ویوکاناند، ص61-63 .به نقل از کتاب :دعوت هندوهاHinduism, Wiwekanand ،به اسلام، تالیف دکتر ابراهیم بن عبدالغفور برای اخذ مدرک دکتری، مؤسسه انتشارات و توزیع الاف ص

همه انسانها معتقد بر توحید الله بودند، تا زمانی که شیاطین به سراغ شان آمد و آنها را به این موارد کفری وسوسه کرد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: همانا شیطان در راه های بنی آدم نشسته است».

شیطان هر راه وسوسه‌ای را برای انسان می‌جوید، و هیچ رهایی از آن جز در تسلیم بودن بر آنچه که پیامبران در پیوند به توحید و عبادت داشته اند وجود ندارد.

.وداها صراحت داشته اند که جهان آفریده شده و نیز آغازی داشته است

.و اینکه الله از مخلوقش مستقل است و در آنها حل نمی شود

پس چگونه هندوها به این مرحلۀ از اعتقاد به وحدت وجود رسیده اند؟

می گوید » :یا الله !خورشید و جهان نمی توانند تو را احاطه ऋग्वेद ریگ ودا کنند، و تو را در خود جا دهند.[16]

این دلیل روشنی از وداها بر اشتباه بودن عقیدۀ وحدت وجود است، چون الله از مخلوقش مستقل است، و خورشید و ماه خدا نیستند.

ریگ ودا نیز می گوید» :الله ذاتیست که شب و روز را آفرید، او مالک دنیا و هر چه در آن است م باشد، و اوست که خورشید و ماه و زمین و آسمان را آفریده است.[17]

پس چه عقیدۀ روشنتر از این وجود دارد که وحدت وجود و ازل بودن جهان مادی را نفی کند؟

---

[16].ریگ ودا، مندل :1، سوکت :10، مینترا :8

[17]ریگ ودا، مندل :10، سوکت :190، مینترا :2-3

الیگر ویدا می گوید :و اوست که پیش از وی چیزی آفریده نشده، و وی خالق و مالک ماست و وی به هر چیزی داناست.[18]

قبل از الله چیزی آفریده نشده، پس وی اول است و جهان را الله آفریده است و ازلی نیست .وی ذات بزرگ و مالک زمین و آسمان است.[19]

و قرآن کریم نیز همین حقیقت روشن را تصریح می کند، الله متعال قبل از 1400 سال به پیامبرش محمد بن عبدالله - صلی الله علیه وسلم - وحی نمود که الله از مخلوقش جداست و بر عرش خود استوا نموده و در مخلوقات خود حل نمی شود و نه مخلوقاتش در وی حل می شوند.

الله متعال می فرماید

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٤﴾﴾ [السجدة: 4]

" الله ذاتیست که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استوا نمود برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست آیا باز هم پند نمی گیرید".

،اساس عقیدۀ انبیا، و اساس دین و شریعت شان این است که الله خالق، یکتا، یگانه و آشکار است، یعنی جدا از خلقش می باشد، در آنها حل نمی باشد !

پنجمین اشکال در فلسفۀ وحدت وجود این است که :این فلسفه به مهمترین سوال که این جهان از کجا آمده است پاسخ نمی دهد؟

بر اساس این فلسفه جهان چگونه ظاهر شد؟

---

[18]یگر ودا، سوکت :32، منترا :13

[19]ریگ ودا، مندل :1، سوکت :100، منترا :1

و این که :چه کسی آغازگر این فلسفه بوده است؟

و چه دلیلی بر این فلسفه وجود دارد؟

،پرسش های فراوان و اشکالات زیاد پیرامون این عقیدهٔ که با علم مدرن، عقل وداها و دین پیامبران در تضاد است وجود دارد.

هندوئیزم به زندگی و مرگ چگونه نگاه می کنند؟

هندوئیزم امروزی مبتنی بر فکر تناسخ ارواح و مرحلهٔ ولادت های که پایان نمی یابد می باشد :ما در تصور هندوئیزم در حلقهٔ دایروی از ولادت ها می چرخیم، و هر نوزادی قبلا در مخلوق دیگری وجود داشته است و پس از مرگ روح او به موجودی دیگر انتقال میگردد و به همین ترتیب، و این همان چیزی است که در هندوئیزم به اصطلاح :سامسارا Saṃsāra संसार.[22] معروف است، و در اینجا شماری از مشکلات عقلی و علمی در مسالهٔ تناسخ ارواح وجود دارد، منجمله:

اشکال نخست :که به اعتراض ترتولیان "Tertullian's objection" معروف است و می گوید :اگر تناسخ ارواح درست باشد، پس چرا نوزادان با توانایی های عقلی مشابه بالغان متولد نمی شوند؟[20]

اشکال دوم :اگر انتقال ارواح درست باشد، فرض بر این خواهد بود که تعداد موجودات ثابت باشد، زیرا آنها در دوره های تولد در میان خود تناسخ پیدا می کنند، و این را انسان عاقل امروز نمی گوید!

و این ثابت شده است که زمانی بود که اصلا کرهٔ زمین وجود نداشت، و زمانی وجود داشت که موجودات زندهٔ روی زمین وجود نداشتند، و زمانی وجود داشت که موجودات زنده به این تعداد نبودند بلکه بسیار کم بودند، سپس با گذشت زمان زیاد شدند و این هم با اجماع انسانان امروزی.

---

[20] Cogan, Robert. (1998), Critical Thinking: Step by Step, University Press of America, pp. 202–203.

زمانی بود که تعداد انسان ها کمتر از امروز بودند.

تعداد انسان ها به اتفاق آرا ثابت نیست، پس چگونه تناسخ ارواح در دوره های ثابت اتفاق می افتد؟

اشکال سوم :چرا هیچکس زندگی گذشته - تولد قبلی - را که در آن بوده است به یاد نمی آورد، جز فرزندان و پیروان این فلسفه؟

که ادعا می کرد Ruth Simmons یک زن آمریکایی بود به نام روث زیمنس است و Bridey Murphy او از تناسخ روح زن دیگری به نام بریدی مورفی روث زیمنس شروع به یادآوری خاطرات گذشته می کند زمانی که برادی مورفی در قرن نوزدهم در ایرلند بود، پس از بررسی محققان از زندگی زیمنس ، معلوم شد که او یک همسایهٔ قدیمی ایرلندی بنام برادی مورفی داشته است، و خانم ادعا نموده که او خاطرات بریدی Ruth Simmons آمریکایی بنام روث زیمنس ایرلندی را برداشته و آن را به خود نسبت داده است، و ادعا نموده که او بریدی است.[21]

پس تناسخ ارواح توهم و خیال بوده و بر خلاف ساده ترین بدیهیات علم و حواس می باشد.

پل ادواردز، رییس دایره المعارف فلسفه و استاد دانشگاه نیویورک، می گوید: تناسخ ارواح صرف یک خیال است که با علم مدرن در تضاد می باشد».[22]

پس هرگاه انسان بمیرد در زندگی دیگری متولد نمی شود.

---

[21] توصیف پرونده روث زیمنس) https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/12116612 :به نقل از مقالات سایت دکتر فوز کردی.(

[22] Edwards, Paul. (2001), Reincarnation: A Critical Examination, Prometheus Books.

و وداها همیشه این واقعیت را تأیید می کنند، و در وداها بحثی از انتقال ارواح و یا از سامسارا نشده است.[23]

حتی دانشمند هندو، شری استیا کم و دیلانکار می‌گویند» :عقیدۀ تناسخ در وداها وجود ندارد و من کسانی را که چنین می‌گویند به چالش می‌کشم.[24]

و بهترین دلیل برای صحت سخنان ودیلانکار این است که هندوها مراسم دینی به را انجام می دهند که هدف آن تسکین ارواح « श्राद्ध Śrāddha نام »شارادا مردگان است.

ارواح چگونه تناسخ می یابند در حال که هندوها ارواح مرده گان را تسکین می بخشند؟

و قرآن کریم که الله آن را بر پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم نازل نموده، به کسانی که از تکرار زندگی حرف می زنند این چنین پاسخ می دهد

﴿إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾ [المؤمنون: 37]

" جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست می میریم و زندگی می کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد"

الله متعال در کتاب عزیزش به آنان پاسخ داده و می فرماید:

﴿أَلَمْ يَرَوْاْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ [يس: 31]

"مگر ندیده اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان بازنمی گردند"

---

[23] Yuvraj Krishan: Bharatiya Vidya Bhavan, 1997

[24] اوکمن، ص 104، به نقل از کتاب: دعوت از هندوها بسوی اسلام، تألیف دکتر:

پس هر که بمیرد به دنیا باز نمی گردد و نه دوباره برگشت می کند.

الله متعال می فرماید:

﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلۡمَوۡتَ إِلَّا ٱلۡمَوۡتَةَ ٱلۡأُولَىٰۖ وَوَقَىٰهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ٥٦﴾ [الدخان: 56]

"در آنجا جز مرگ نخستین مرگ نخواهند چشیدند"

این عقیدۀ مسلمانان است و این همان عقیدۀ وداها است که متأسفانه هندوها آن را ترک کرده اند.

اشکال چهارم در انتقال ارواح :آنان مدعی اند که هدف رسیدن به مرحلۀ مطلق توحد و یا آنچه به مُکشا معروف است، برای رهایی یافتن از این ولادت های مکرر می باشد،به این معنی که ولادت های مکرر عذاب است .

اما چه کسی گفته است که ولادت های مکرر عذاب است؟

اگر اکثر مردم را بپرسید که آیا آرزو دارید دوباره متولد شوید و زندگی را دوباره تجربه کنید؟ بسیاری آنان بدون تردد پاسخ مثبت می دهند.

و این نگاه بدبینانه بسوی جهان هستی که گویا چیزی جز عذاب نیست، نگاه دروغ بیش نیست؛ چو در جهان هستی وجود خیر بسیار و نعمت های بی شماری است.

پس موکشا رهایی وهمی است از چیزی که در واقع وجود ندارد !

اشکال پنجم :فلسفه انتقال ارواح، به سمت بی تفاوتی نسبت به ارتکاب هر جنایت یا گناه سوق می دهد، چون ارتکاب جنایت را توجیه می کند، زیرا انسان حتماً در تولد بعدی نجات خواهد یافت، پس او از این تولدی که در آن است لذت می برد.

این نشان دهنده مصالحه با ارتکاب هر جنایتی است، و شاید همین دلیل باشد که هند یکی از بالاترین نرخ های جنایت در جهان، به ویژه تجاوز جنسی را دارد.[25]

.و هند یکی از بالاترین نرخ های جنایت های تجاوز جنسی گروهی را دارد

منبع ایدۀ ولادت های مکرر و انتقال ارواح در میان هندوها چه هست؟

هیچ کس نمی داند این ایده ها چگونه بوجود آمدند و چه کسی آنها را پایه گذاری نموده، و هیچ مدرکی برای آن وجود ندارد.

و هیچ مدرکی مبنی بر تولدهای دوباره در وداها وجود ندارد، حتا یک کلمه هم در مورد انتقال ارواح در وداها وجود ندارد، و این ایده ها تنها در فلسفه های ظاهر شده است Puranas بعدی پوراناس.

و بعید نیست که این افکار در ذهن یک گوشه نشین)زاهد هندو (به عنوان نوع ،خیال پردازی در نتیجه نشست طولانی بدون خوردن و آشامیدن خطور کرده باشد انجام می شود Purana همانطور که در مراسم پرانا.

و معلوم است که مراسم پرانا شامل نشستن طولانی در یک موقعیت خاص بدون خوردن یا آشامیدن صورت می گیرد.

،و این سکوت کامل بمدت ساعت ها در یک موقعیت خاص بدون غذا یا نوشیدنی به مرور زمان منجر به عدم تعادل در یون های مغز به دلیل کاهش گلوکوز خون می شود، بنابراین ترشحات کنترول نشده اندورفین رخ می دهد و احساس به توهمات واقعی رخ می دهد.[26]

---

[25] https://en.wikipedia.org/wiki/Rape_in_India

[26] (https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/8931651 وب سایت مرکز ملی تحقیقات بیوتکنولوژی ایالات متحده، یک وب سایت دولتی و یکی از بزرگترین مراجع تحقیقات پزشکی در جهان.)

آنچه را که زاهدان می بینند و در پوران ها از تولدهای مکرر نوشته اند به توهم یا بیهوشی مغزی نزدیکتر است.

این بر اساس گزارش علم مدرن، که مرکز ملی تحقیقات بیوتکنولوژی ایالات متحده می باشد، و این یک وب سایت دولتی است و یکی از بزرگترین مراجع تحقیقات پزشکی در جهان محسوب می شود، و بیان می دارد که کمبود گلوکوز در خون برای مدت طولانی به این روش منجر به توهم می شود.[27]

امام ذهبی رحمه الله می فرماید » :عابد خالی از علم، هرگاه گوشه نشین و از دنیا ببرد و گرسنه شود، خوردن گوشت و میوه را ترک کند، و به دقت و پارچه نان اکتفا کند، خطرهای روح او را تسخیر می کند و شیطان در او درون و بیرون می شود، او گمان می کند که او رسیده است، و با او سخن گفته شده و بالا رفته است، اینجاست که شیطان او را فریب می دهد و او را وسوسه می کند.«[28]

بنابراین، اسلام از این گونه گوشه نشینی و سختگیری بالای نفس برحذر داشته است.

این گونه سختگیری بالای خود به مرور زمان منجر به خلل تصورها و افساد دین می شود.

الله متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣٢﴾ [الأعراف: 32]

---

27 منبع قبلی

28 سیر اعلام النبلاء، ترجمه احمد بن ابی الحواری، به نقل از سایت دکتر فوض کردی.

“[ای پیامبر] بگو زیورهایی را که الله برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است”

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: بر خود سخت نگیرید که الله بر شما سخت می‌گیرد، چون قومی بر خود سخت گرفتند، پس الله نیز بر آنان سخت گرفت و این است بقایای آنان در عبادت گاه ها و خانه ها.

﴿ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَۖ وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٧﴾ [الحديد: 27]

“و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم”

این سخت گیری توهمات ضد وداها را ایجاد نموده که امروزه به یکی از اصول هندوئیزم تبدیل شده است.

از سوی دیگر، اگر به معجزات واقعی که الله توسط آنها پیامبرانش را تایید می کند، ،بنگریم، این که معجزات به طور ناگهانی و بدون آمادگی قبلی رخ می دهد و مردم آن را مشاهده نموده و با چشمان خود آن را می بینند، و ممکن نیست انسانها مانند آن بیاورند !

این تفاوت میان اخبار انبیا و اخبار زاهدان خیال پرداز هندو می باشد.

هندوئیزم به جهان هستی چگونه می نگرد؟

،بر اساس فلسفه هندوئیزم، جهان در حالت انحلال است و دوباره ظاهر می شود و بهمین ترتیب به گونۀ دوامدار.

به گونهٔ که جهان هستی تشکیل گردیده و سپس منحل شده و بعدا دوباره شکل می گیرد و به همین ترتیب.

این تصور از جهان هستی که منحل می شود و سپس تشکیل می شود، یک اشتباه علمی است.

چون جهان هستی از نظر علمی مقدم بر جهان‌های دیگر نبوده است، بلکه جهان هستی طوری آفریده و ابداع گردیده است که نمونهٔ قبلی از خود نداشته است.

این همان عقیدهٔ مسلمانان است که 1400 سال قبل مردی که گوسفندان اهل مکه را در برابر مقدار پول می‌چراند به نام محمد بن عبدالله، رسول الله و پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم است خبر داده است، الله متعال برای وی وحی نمود که این جهان بدون نمونهٔ قبلی آفریده شده است، و الله متعال در قرآن کریم می فرماید

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ١١٧﴾ [البقرة: 117]

“[او] پدید آورنده آسمانها و زمین [است] و چون به کاری اراده فرماید فقط می گوید [موجود] باش پس [فورا موجود] می شو”

در آیین هندوئیزم بدن انسان از چه ساخته شده است؟

،در آیین هندوئیزم بدن انسان توسط نیروهای عناصر پنجگانه :آب، خاک، هوا آتش و صداهای امواج یا جامد تشکیل شده است.

و تمام جهان، با همه چیز که در آن است، از این عناصر پنجگانه به وجود آمده است.

هر یک از این عناصر پنج گانه ستاره های مربوط به خود را دارد، مریخ آتشین است، زحل زمینی است، و در مقابل هر عضو انسان یکی از عناصر پنجگانه قرار دارد، طحال زمینی و قلب آتشین است.

هر چیزی که در جهان هستی است بر اساس این عناصر پنجگانه طبقه بندی می شود حتا زمان ها، و از دید آنان بیماری چیزی نیست جز خلل در توازن عناصر پنج گانه.

که مراسم گرسنگی و جلسات Prana، ایدهٔ عناصر پنجگانه از طریق پرانا سکون کامل برای ساعت ها است، پخش گردید.

متأسفانه، ایدهٔ عناصر پنجگانه در جهان گسترش یافته و منجر به بسیاری از علوم درمانی توسط انرژی شد.

و اساس علوم درمان با انرژی و ماکروبیوتیک و فنگ شویی و درمان با رنگ وغیره روش های هستند بر اساس کنترل این عناصر.

پس نزد آنان کنترول این عناصر پنچگانه موجب رزق و روزی و دفع بلا می شود.

امروزه در معابد هندوئیزم، ماساژ برای کنترول این عناصر پنجگانه صورت می گیرد، با اعتبار این که این روش درمانی برای بسیاری از بیماری هاست.

و این ایده، ایدهٔ عناصر پنج گانه، در هیچ چیز به علم تعلق ندارد.

و هیچ ربطی به فیزیک و پزشکی ندارد.

بلکه علم درباره آن و اعمال مرتبط با آن به عنوان نوعی خرافات، توهم و تقلب حکم می کند.

ایدهٔ عناصر پنج گانه به عنوان علم بی اساس رده بندی نموده است.[29]

---

[29] "Energy – (according to New Age thinking)", The Skeptic's Dictionary, 2011-12-19.

و بالای اعمال مرتبط به آن به عنوان افسانه و توهم فیصله شده است.[30]

ممکن ایدۀ عناصر پنجگانه به همان شیوه ای که ایدۀ تولد دوباره و تناسخ ارواح به ذهن یکی از گوشه نشینان خطور کرده بود خطور کرده باشد، چون هیچ دلیل عقلی، علمی و منطقی برای آن وجود ندارد.

این فقط یک ایدۀ تخیلی است.

مشکل اینجاست که اعمال این اندیشه فقط طلسم های بت پرستانه و دلبستگی به سیاره ها و اشکال و نمادها و رنگ ها و حرزهایی است که الله هیچ حجتی بر آنها نازل نکرده است.[31]

اسلام نسبت به این اعمال مربوط به ایدۀ عناصر پنج گانه قبل از علم مدرن هشدار داده است، چون این اعمال به تأخیر درمان صحیح منجر می شود، و موجب می شود که انسان در توهمات موازی با جهان واقعی زندگی کند، و نیز موجب دلبستگی انسان به غیر الله می شود، از این رو، اسلام بیش از همه از این اعمال بشکل جدی هشدار داده است، الله متعال در حدیث قدسی می فرماید" :بندگانم در حالی صبح نمودند که برخی از آنان به من مومن و برخی کافر گشته اند؛ آنان که گفتند :به فضل و کرم الله بر ما باران ببارید آنان به من مومن و به ستاره کفر ورزیده اند، و آنانی که گفتند :به خاطر فلان و فلان ستاره بر ما باران ببارید به من کفر ورزیده و به ستاره ایمان آوردنده اند. "[32]

هر کس به سیاره ها و تأثیر آن در انسان و دخالت آنها در امر رزق و روزی ایمان داشته باشد، به الله کافر شده است، و هر کسی که به الله ایمان داشته باشد به دخالت سیاره ها در اقدار انسان کافر شده است.

---

[30] "Some Notes on Wilhelm Reich, M.D", Quackwatch.org, 15-02-2002.

[31] من موضوع انرژی درمانی را در یک کتاب مستقل کامل با عنوان: الحاد معنوی بحث کرده ام.

[32] صحیح مسلم، ح:71

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند" :افسون و تعویذ خواندن، بستن چشم زخم به کودکان، و جادوی نزدیک کردن زن و شوهر به هم شرک است".

بنابراین، یک مسلمان افسانۀ تأثیر عناصر پنج گانه و طلسم ها و حرزهای مرتبط با آن را باور نمی کند.

بلکه اسلام تصریح می دارد که ساخت طلسم، اشکال هندسی، و ابزارهای پیوند انرژی به ذهن باطنی و چیزهای دیگر مربوط به عناصر پنجگانه، و عقیده داشتن بر اینکه این طلسم ها فواید را در پی دارد و یا ضررها را دفع می کنند، این گونه عقیده همان شرک و کفر به الله است.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در دست مردی حلقه ای از مس را دید، فرمود: این چیست؟ وی گفت :بخاطری واهنه (دردی است که در بازو یا دست ایجاد می شود) است، فرمود» :آن را بیرون کن، چرا که جز ضعف و بیماری چیزی به تو نمی افزاید؛ و اگر درحالی بمیری که این حلقه در دستت باشد، به او واگذار خواهی شد.[33]

و در روایتی :و اگر درحالی بمیری که این حلقه در دستت باشد، هرگز رستگار نخواهی شد.[34]

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می فرماید» :ساخت طلسم های که دربرگیرندۀ منفعت و زیان می باشد، شرک اکبر است.«[35]

به آن Bhagavad Gītā भगवद्गीता این همان عقیده ای است که باگاواد گیتا تصریح نموده ، چنانچه می گوید" :کسانی که خدایان را می پرستند خدایان را به دست می آورند، کسانی که اجداد را می پرستند اجداد را به دست می آورند، کسانی

---

[33] صحیح ابن حبان، ح:6085.

[34].صحیح از روایت هیتمي مکي، زواجر، ج1 ص166

[35].مجموع الفتاوی، ج 9، ص 34

که شیطان را می پرستند، شیطان را به دست می آورند، و کسانی که مرا می پرستند، مرا می یابند.»[36]

هرکس با غیر الله از این طلسم ها ارتباط داشته باشد او عبادت کنندۀ غیر الله است.

و عاقبت او بر اساس عقیدۀ وداها در آتش جهنم جاودان خواهد بود، الیگر ودا می گوید» :کسی که چیزهایی ساخته شده را بغیر از الله عبادت کند، او در تاریکی فرو می رود و عذاب آتش دوزخ را برای همیشه می چشد.»[37]

پروردگار ما می فرماید:

﴿... بَل لِّلَّـهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا﴾ [الرعد: 31]

“بلکه همه امور بستگی به الله دارد ”.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: اگر درخواست کردی از الله درخواست کن، و اگر طلب کمک کردی، از الله طلب کمک کن.

بنابراین، مسلمان به افسانه تأثیر عناصر پنج گانه، سیاره ها، طلسم ها و حرزها باور نمی کند، بلکه عقیده بر این دارد که این همه همان بت پرستی و هذیان و دجالی و خرافه ها است.

تصویر جامعۀ هندو چگونه است؟

جامعه هندو به دلیل اعتقاد به ایدۀ انتقال ارواح و ایدۀ کارما قطعاً جامعه طبقاتی است.

---

[36] بهاگاواد گیتا، 9-25

[37] یگر ودا، سوکت :40، منترا :9

چنانچه انسان فاسد در تولد بعدی در طبقهٔ پایین تر از آنچه که بود متولد می شود.

بنابراین، مصیبت زده سزاوار رنج خود است.

این ترسیخ کاملا استبداد گرایانه در برابر فقرا و مصیبت زده گان و بی تفاوتی نسبت به آنان است ...این یک عادی سازی آشکار با استبداد است.

در آیین هندوئیزم، انسانان به چهار دسته تقسیم می شوند:

1. برهمن :معلمان و کشیشان.
2. کشاتریا :جنگجویان و پادشاهان.
3. ویشی :کشاورزان و بازرگانان.
4. چودرا :کارگران.

پایین ترین طبقات عبارتند از :مطرودان چودرا، که به کارهای پاافتاده رو می آورند - از نقطه نظر خودشان - مانند تنظیف و خدمت گزاری.

طبقهٔ هر انسان تعیین کننده نوع کار، لباس و خوراک او می باشد.

و ازدواج در چارچوب یک طبقه انجام می شود.

انسان محکوم به تعلق به طبقه ای است که در آن متولد شده است.

- این تصور طبقاتی، همانطور که گفتم، از اعتقاد به انتقال ارواح و عقیدهٔ کارما مجازات و پاداش - ناشی می شود، پس چاودرا مستحق مطرد شدن هستند، چون او در تولدهای قبلی حتمن گناهکار بوده، پس او در این طبقه تولد شده است.

و این تصور غلط تحریف شده تمام زندگی را تباه می کند، و با این تصور می توان در نظر گرفتن کمک به مطرودان نوعی بی احترامی به کارما است.

این نوعی از مصالحه میان عقب ماندگی، بی عدالتی، طبقاتی و استبداد است.

فلسفه انتقال ارواح و فلسفه کارما این طبقه بندی را ایجاد نموده، و این تصور غلط را از افراد فقیر، بیمار و ضعیف ایجاد کرده است که از دست شان هیچ چیزی بر نمی آید.

هندوئیزم فرصت کمک و همکاری را با آنان از دست داده است.

این دیدگاه هندوئیزم دیدگاهی است که با ماهیت فطرت انسانی در تضاد است، آن فطرتی که به سوی همدردی با ضعیفان و نیازمندان و بیماران سوق می دهد، و به احساس مسولیت نسبت به آنان ترغیب نموده تا برای شان خدمات ارایه گردیده و گرفتاری ها و آسیب ها را از آنان برداشته شود.

نمی دانم هندوها چگونه از عقیدۀ باور داشتن به روز آخرت که در وداها نوشته شده است دور شده اند، همان عقیدۀ که به وسیله آن زندگی انسان اصلاح شده و نگاه او را بسوی جهان درست می نماید، محاسبۀ انسان در آخرت در پیشگاه الله متعال صورت می گیرد، و همۀ انسانها معصوم به دنیا می آیند، و دست یاری دادن به مصیبت دیدگان،موجب ارتقای مقام انسان نزد الله در آخرت می شود.

پس کدام یک از دو دیدگاه برای انسان اولویت دارد و مناسب تر و نزدیک تر برای فطرت او می باشد؟

فلسفۀ کارما ...یا عقیدۀ وداها؟

«در ریگ ودا آمده است» :یا الله تو برای مرد صالح بهترین پاداش را می دهی.[38]

و در آن آمده است که :مرا جاودانه گردان در جایی که هر گونه لذت و خوشحالی وجود دارد، جای که آنچه دلها بخواهد برای او داده می شود.»[39]

---

[38].ریگ ودا، مندل :1، سکوت :1، مینترا :6

[39].ریگ ودا، ماندل :9، سوکت :113، مینترا :9-11

این است عقیدۀ وداها.

آنجا بهشتی است که نیکوکاران در آن لذت می برند.

و در آنجا به گفتۀ وداها، عذابی برای گناهکاران آماده شده است.

ریگ ودا می‌گوید» :مکانی از ژرف‌ترین مکان‌ها برای گناهکاران که ته بسیار دوری دارد.«[40]

پس این مکان ها در کجای از ایدۀ تولدهای مکرر و انتقال ارواح وجود دارد؟

عمیق ترین مکان برای گناه کاران در فلسفۀ کارما در کجاست؟

بنابراین، فلسفه کارما در کل یک اختراع انسانی و تصوری است که برخلاف داشته های وداهاست.

عقیدۀ همه انبیا این بود که :ایمان به روز قیامت و بهشت و دوزخ، و اینکه انسان ها معصوم و بدون گناه به دنیا می آیند.

این عقیدۀ است که با فطرت توافق و سازگار است، و با بی عدالتی و عقب ماندگی و طبقاتی و سرکشی در تقابل قرار دارد.

پس دین انبیا به دنبال تعالی انسان است، و خواستار برابری انسان ها می باشد.

و ارزش انسان در اسلام نه در طبقۀ اوست و نه در شکل او و نه در وضعیت صحی او و نه در مستوای مادی او، بلکه ارزش انسان به نسبت کارهای نیکی است که انجام می دهد.

اسلام خواستار تعالی همگان و نادیده گرفتن نسب و حسب است.

---

[40].ریگ ودا، مندل :4، سوکت :5، مینترا :5

بلکه به شدت ایدۀ مطرودان و تفکر طبقاتی را رد می کند.

الله متعال در قرآن کریم فرموده اند:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣﴾ [الحجرات: 13]

“ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست بی تردید الله دانای آگاه است”

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: عمل کسی که کُند باشد، نسب او عملش را شتاب نمی بخشد.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند :مردم نزدم نمی آیند مگر بر اساس اعمال شان و شما بر اساس انساب تان می آیید.[41]

.انساب در اسلام هیچ ارزش و وزنی ندارد

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند :ای مردم، پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است، با خبر باشید که عرب بر عجم، و عجم بر عرب، و سرخ بر سیاه، و سیاه بر سرخ، برتری ندارد مگر بر اساس تقوا.»[42] و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند :ضعیفان را به سوی من بجویید که توسط ضعیفان تان روزی داده می شوید و به شما کمک می شود.«[43]

---

[41].وادعی در صحیح مسند آن را حسن دانسته است، جلد :1426

[42].روایت بیهقي در شعب الایمان و حدیث صحیح است، السلسلة الصحیحة، ح :2700

[43].سنن ابو داوود و ترمذی و تصحیح البانی در صحیح الجامع و صحیح ابی داود، جلد :2594

پس به این نگاره بنگر » :ضعیفان را به سوی من بجویید که توسط ضعیفان تان روزی داده می شوید و به شما کمک می شود «و نگارۀ بنگر که هندوها از آن به ضعیفان می نگرند.

،نفس انسان برای تعاطف به فقرا، ضعیفان، ساده و نادانان عادت داده شده است .پس عناد هندوئیزم امروزی با این فطرت واقعا یک مشکل است

آیا هندوها واقعاً گاو را مقدس می پندارند؟

گاو در آیین هندوئیزم از احترام خاصی به عنوان منبع بخشش برخوردار است، موضوع دیگری نیز وجود دارد و آن تصور هندوهای معاصر است که الله در مخلوقات خود از جمله گاوها در آنچه به عنوان فلسفه وحدت وجود شناخته می شود حل می شود،.برای گاو در هندوئیزم اشکال مختلفی از تقدیس وجود دارد

مراسم ویژه گاوها به طور مداوم در مناطق مختلف هند برگزار می شود.[44]

از سوی دیگر، ویداها تنزیه الله متعال را بر همه چیز و تمام مخلوق مقدم می دانند.

در ریگ ودا آمده است» :من الله هستم که پیش از هر چیزی وجود داشته ام، و ،من مالک تمام جهان هستم، من بخشنده حقیقی هستم و اختیار همه نعمت‌ها را دارم «پس همه روح ها باید مرا به یاری و کمک فرا بخوانند.[45]

این متن روشنیست مانند خورشید که ایدۀ وحدت وجود را نفی می کند، زیرا الله خالق جهان و از جهان مستقل است.

---

[44].افسانه گاو مقدس، دویجندرا نارایان)ترجمه نشده(

[45].ریگ ودا، مندل :10، سوکت :48، مینترا :1

همچنین در این متن هشداری نسبت به تقدیس جهان مادی و یا کمک خواستن از مخلوقات وجود دارد، پس از هیچ کس جز از الله خالق گاوها و خالق همه چیز باید امداد خواست.

و عقیدۀ تسلیم بودن به الله متعال جوهر عقیدۀ اسلام می باشد.

اسلام تاکید می دارد که گاوها و هر چیزی که در اطراف ما است برای ما مسخر و رام گردانیده شده اند، الله آنها را به فضل و کرم خود آفریده است، الله متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١٣﴾ [الجاثية: 13]

"و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست قطعا در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است".

این عقیدۀ اسلام و فطرت انسان است.

هندو جز از طریق اسلام قادر به برگشت به آنچه که وداها در رابطه به توحید و تسلیم در برابر الله داشتند نخواهد بود، چون اسلام بیانگر تمام حقایق در وداها است و او آنست که همه خطاهای بشری را اصلاح می کند، و همه تحریفات بشری در وحی الهی را نفی می کند.

اما در هندوئیزم پرهیز و تلاش زیادی برای دوری از گناه وجود دارد، آیا این یک ویژگی متمایز نیست؟

من قبلاً در مورد سختگیری بیش از حد در هندوئیزم تذکر دادم، اما آنچه در اینجا می خواهم بگویم این است که درد نافرمانی و پشیمانی از جمله امور طبیعی و مرتبط با تکلیف الهی است.

از آنجایی که ما مکلف هستیم، در صورت انجام هرگونه تخلف احساس پشیمانی می کنیم.

این امر فطری است، الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٠﴾ [الروم: 30]

“همان سرشتی که الله مردم را بر آن سرشته است ”

در برابر این فطرت، انسان با هرگونه تخطی از ارزش های خیر و حق، احساس عذاب وجدان می کند.

در پیام پایانی - اسلام - الله متعال راه استغفار و توبه را از مخالفت ارزشهای خیر و حق ارشاد می دارد، و الله نیز دستور داده است تا حقوق و مظالم به صاحبانش برگشته شود و بدین ترتیب الله گناه را محو می کند.

اما ما در هندوئیزم راه دیگری برای مقاومت در برابر گناه میابیم، و آن سختگیری مبالغه آمیز بالای نفس، در کنار مجموعه‌ای از تمرین‌ها، تامل ها و مراسم آرامش است که صاحبش را کاملاً آرام می‌کند.

اما آیا سکون کامل و نشست های تفکر در آیین هندوئیزم چیز خوبی نیست؟

ظاهر شده است اتفاق می افتد :این تفکر در مخلوقات الله نبوده، و نه اندیشیدن در خلقت و نعمت های شگفت انگیز الله متعال می باشد.

بلکه تامل آنان جهت دستیابی به نوعی از سکون کامل و خالی کردن ذهن از هر نوع خروجی ها و ورودی ها می باشد.

پس این یک نوع سکون کامل است مانند سکون مرگ که در آن ذهن از تفکر خاموش می شود.Silence your Mind During Yoga

،این جلسات عجیب و غریب تاملی سکون که در دوران پس از وداها ظاهر شد بر تفکر آنان تأثیر گذاشت و توهم و خیال پردازی ها سراغ شان آمد، و شیطان ها به آشفتگی عقل آنان آغاز کرد.

برخی از آنان گمان می کنند که علم کسب کرده است، و اتفاقی که برای او افتاده چیزی جز توهم در نتیجه عدم تعادل یون های مغز به علت نخوردن و سکوت کامل نیست، همانطوری که قبلا توضیح دادم.[46]

،پس تامل طولانی، بی حرکت و گرسنگی شدید منجر به چنین توهماتی می شود این اعتراف یکی از مشهورترین بنیانگذاران مکاتب تامل سکوت در جهان میکائو اوسوئی، Mikao Usui.. می باشد

او به این نتیجه رسید که پس از ساعت های طولانی گرسنگی و محرومیت شروع به از دست دادن هوشیاری و توهم می گردد، و در این اثنا خاطره ها سراغش می آید.[47]

در تحقیق مستقل تایید Donovan Rawcliffe روانپزشک دونوان راکلیف کرده است خاطره های که در نتیجه این رفتارها به وجود می آیند، بین آن و توهم بیمارگونه تفاوتی وجود ندارد.[48]

---

[46] https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/8931651

[47] به نقل از)کاربردهای معاصر Reiki for Beginners, David F. Finals, pp. 30-35, فلسفه شفای شرقی، دکتر هیفا بنت ناصر الرشید).

[48] Rawcliffe, Donovan, (1988), Occult and Supernatural phenomena, Dover Publications, p. 123

علاوه بر موارد فوق، بیشتر جلسات یوگا عیب های سلامتی دارند، و عادت کردن طولانی به آن منجر به سردرگمی، تشویش و از دست دادن حس مکانی و زمانی می گردد، این امر حافظه را مختل نموده و بیماری آلزایمر را تسریع می بخشد.[49]

هندوئیزم با این گونه رفتارها از وداها و تعالیم پیامبران دور گشته اند.

اسلام به تفکر، تدبر، تدبر و تامل در مخلوقات الله فرا میخواند، این تفکر، تدبر و تاملیست که منجر به عمل، اطاعت و سپاسمندی الله متعال و تلاش در زندگی می گردد،نه از رهگذر سکون و خاموشی عقل که به دنبال آن سکون باشد .

تفکر واقعی چیزی است که به اطاعت و برگشت به الله می انجامد

﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١﴾ [آل عمران: 191]

“همانان که الله را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار"

این طرز تفکریست که اسلام به آن امر نموده و چیزی است با فطرت انسان مطابقت دارد و به انسان کمک می‌کند که شکرگزار نعمت‌های الله باشد که در اطرافش قرار دارد و اندیشیدن به همهٔ این نعمت ها.

،اما نشست های سکون کامل در هندوئیزم کنونی استراحت گاه شیطان هستند چون شیطان ها در جلسات تامل و سکون آنان را به بعضی مددها، رؤیاها، مکاشفه ها یاری می دهد، در این اثنا افکار ایدهٔ تولدهای مکرر، و افکار ایدهٔ انتقال ارواح و افکار با ایدهٔ وحدت وجود و افکار با تصور تجسم خداوند در بت ها به سراغ

---

[49] An introduction to complementary medicine, Simon Borg Olivier, p.290
(به نقل از: جنبش عصر جدید، دکتر هیفا بنت ناصر الرشید).

آنان می آیند، سپس گوشه‌نشینان این افکار و آموزه ها را برای اولیای خود انتقال می دهند، پس گمراه می کنند و گمراه می شوند.

بریدن از دنیا و زندگی در خرابه ها چه اشکالی دارد همانطوری که در هندوئیزم امروزی اتفاق می افتد؟

هندوئیزم با غریزه و شهوات مبارزه می کند، نه برای تهذیب آن، طوری که در شریعت اسلام وجود دارد بلکه برای سوزاندن بدن انجام می دهند، هندوئیزم کنونی انسان را به سوی رهبانیت و ترک دنیا می کشاند.

چون هندوئیزم فراموش کردن بدن را سبب فراموشی غریزه می داند.

بنابراین هندویی که موکشا را میطلبد به خرابه ها می رود تا بدن خود را در آنجا بپوسد و بقیه عمر خود را تا زمان مرگ به عنوان گدا بگذراند.

این خلل و عدم تعادل فاجعه باریست که انسان، خانواده و جامعه را نابود می کند.

غریزه و شهوت موهبهٔ الهی برای تشکیل خانواده، آبادانی جامعه، و تلاش و زحمت و ساخت و ساز زندگی می باشد.

غریزه توسط تهذیب و قرار دادن آن در مسیر طبیعی آن درمان می شود، نه این که بدن را بسوزانیم.

چه کسی گفته است هدف از وجود ما این است که: برای یک وقت غذا گدایی بکنیم، سپس بقیه روز را در خرابه ها بگذرانیم تا بمیریم؟

چه کسی گفته است که ما به این دنیا آمدیم تا پارچهٔ زعفرانی بپوشیم و از جهان کناره گیری نموده تا مرگ فرا رسد؟

پست ترین حشرات نسبت به ما از وظیفهٔ وجود و اعمار زمین و اصلاح زندگی آگاه ترند، تو دسته های زنبور را می یابی که با تلاش و نظم به نفع خود و فرزندان

شان کار می کنند، و باکتری های کوچکی را در روده ها بشکل منظم می یابی تا این که سود برسانند و سود ببرند.

و زندگی در مجموع بر اساس قوانین و کار پیش می رود.

هندوئیزم امروزی به بیکاری، کار نکردن و گدایی فرا می خواند، در واقع گدایی در آیین هندوئیزم به یک شیوۀ زندگی تبدیل شده است.

سوال اینجاست: کناره گیری هندو از مردم، و استقرار در بالای کوه ها و مکان های دور از شهرنشینی به چه معناست، و این روش چه سودی برای مردم می رساند؟

دین حق و روش صحیح زندگی، راه جدیت، نصیحت، اختلاط با مردم، و اصلاح آنان و شکیبایی در برابر اذیت آنان می باشد، نه با گریز از آنان بسوی دره ها و بیابان ها!

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: "مؤمنی که با مردم و در میان آنها زندگی می کند و بر اذیت و آزارشان شکیباست، بهتر از مؤمنی است که از مردم کناره گیری می کند و در برابر اذیت و آزارشان شکیبایی نمی ورزد ."

بهترین روش مقاومت در برابر شهوات و رهایی از گناهان چیست؟

اصل مقاومت در برابر شهوات و غریزه، اصل فطری و اصل تکلیفی است، و مسلمان جهت تهذیب شهوت پایبند روشی هست که وحی الهی به آن دستور داده است.

این جا ازدواج نیکو، چشم پوشی، تقوای الهی در پنهان و آشکار، و هشدار الهی به عذاب پس از ارتکاب گناه.

هرگاه انسان مرتکب خطا گردد و نفس او ضعیف شود، راهی برای توبه وجود دارد.

،اما در هندوئیزم، هندویی را می‌بینیم که می‌خواهد به موکشا برسد، همسر فرزندان و شغل خود را رها می‌کند و در پیاده‌روها و خرابه‌ها می‌خوابد و غذای خود را گدایی می‌کند، و با این شکل تا زمان مرگ بدن خود را می‌سوزاند، آیا این روش مناسب برای تهذیب نفس است؟

گوشه‌نشینان هندو که امروزه تعدادشان در هند از 5 میلیون فراتر رفته است، به گناه از دست دادن افراد تحت کفالت خود اکتفا نکرده، بلکه خودشان نیازمند هستند تا کسی آنان را حمایت نموده و غذا دهد.

اسلام نفس انسان را به بهترین و عاقلانه ترین روش تهذیب کرده است.

اسلام کوتاهی مرد در رابطه به کوتاهی در برابر وابستگانش حرام قرار داده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند" :همین گناه برای انسان کافی " است که غذا)و هزینه های (کسی را که مخارجش با اوست، ضایع کند.[50]

و اسلام در رابطه به اصلاح و تزکیه نفس با انجام کار نیک و مقاومت در برابر شهوات بدون ترک دنیا را وضع نموده است، پس انسان در اسلام می تواند در جامعه خود زندگی کند و آن را بسازد، و در عین حال بدون نیاز به سوزاندن بدن چنانچه در هندوئیزم است، نزد الله از نجات یافته گان باشد.

الله متعال فرموده است

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفْسَ عَنِ ٱلْهَوَىٰ ۝٤٠ فَإِنَّ ٱلْجَنَّةَ هِيَ ٱلْمَأْوَىٰ ۝٤١﴾

[النازعات: 40-41]

---

[50].صحیح سنن ابی داوود، ح :1692، مرتبه حدیث :صحیح

“و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت پس جایگاه او همان بهشت است"

پس ترس از الله و انجام دادن عمل صالح راه بهشت است، حتا اگر تو در یکی از قصرها زندگی کنی.

و تهذیب نفس نیازی به سوزاندن بدن ندارد، الله متعال می فرماید:

﴿فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ١١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ ١٢ فَكُّ رَقَبَةٍ ١٣ أَوۡ إِطۡعَٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي مَسۡغَبَةٖ ١٤ يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ ١٥ أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ ١٦ ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ١٧ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ١٨﴾ [البلد: 11-18]

“و نخواست از گردنه بالا رود و تو چه دانی که آن گردنه چیست بنده ای را آزادکردن یا در روز گرسنگی طعام دادن به یتیمی خویشاوند یا بینوایی خاك‌نشین علاوه بر این از زمره کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده اند اینانند خجستگان"

برای بدست آوردن بهشت باید بردگان را آزاد کرد، به فقرا غذا داد،کارهای نیک انجام داد، و مردم را به نیکی توصیه کرد.

به این ترتیب نجات میابی.

نه اینکه از مردم کناره گیری نموده و تا آخر عمر گدایی کنی!

چرا اسلام هندوئیزم را رد می کند؟

هندوئیزم امروزی نه دین است، نه مذهب و نه گرایش اعتقادی، بلکه آمیزه‌ای از وداها، فلسفه‌ها و آموزه‌های گوشه نشینان، تانترای عرفانی و آیین‌های بی‌شماری می باشد.

بنابراین، هندوئیزم دیگر یک نظام الهیات عبادی واحد نیست، و یا یک نظام مراسمی با ویژگی‌های مشخص، و یا روش دینی ثابت، و یا ساختار مرکزی دینی که همه هندوها را گرد هم می‌آورد، نمی باشد، امروز هیچ کدام از موارد را در هندوئیزم پیدا نخواهی کرد، چون تو به معنای واقعی کلمه در مقابل هزاران گردهمایی های دینی لاهوتی کاملاً مستقل هستید !

پس چگونه می توان الله را با چیزی به این گیچی ها پرستش کرد که بر آن هیچ حجتی از طرف الله نازل نشده است؟

و چگونه این تصورهای درهم آمیخته به عنوان هدف زندگی در نظر گرفته می شود؟

سپس هندوهای امروزی را ببینید که بت ها را بعنوان تجسم الله می پرستند!

کسانی که بت ها را جهت تجسم و نزدیک شدن به الله اتخاذ می دارند، الله متعال آنان را کافر توصیف کرده است، الله متعال می فرماید:

﴿أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ فِي مَا هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ ۝٣﴾ [الزمر: 3]

"آگاه باشید آیین پاك از آن الله است و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند [به این بهانه که] ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به الله نزدیك گردانند نمی پرستیم البته الله میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد در حقیقت الله آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمی کند"

و هندو ها با گرفتن این بتها با وداهایی که قبلاً توضیح دادم در مخالفت قرار دارند، و با فطرت خود نیز مخالفت نموده اند، آنان می دانند که هیچ دلیل فطری ندارند که بت های خود را نمادی از الله بپندارند.

﴿أَمَّن يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ﴿٦٤﴾﴾ [النمل: 64]

"یا آن کس که خلق را آغاز می کند و سپس آن را بازمی آورد و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می دهد آیا معبودی با الله است بگو اگر راست می گویید برهان خویش را بیاورید."

و آن ها هیچ دلیلی نخواهی داشت!

و آن ها هیچ دلیلی نخواهی داشت!

پس مشکل هندوئیزم کنونی این است که بت پرستی را بزرگ جلوه می دهند و آنها را به ستونی از ستون های دین تبدیل نموده اند.

پس بت ها در همه جا هستند.

و خدا در بت تجسم میابد.

در آن جا هزاران اشکال بت ها، و تصویرها و نمادها در هندوئیزم وجود دارد.

هندوئیزم به دین بت ها، ریخته گری های انسانی و نمادها تبدیل شده است.

هندوئیزم امروزی نیز به وحدت وجود معتقد است.

هندوئیزم امروزی به ازل بودن جهان معتقد است.

و همچنان نظام طبقاتی را نهادینه می کنند.

هندوئیزم امروزی به تجسم خدا در انسان "آواتار" معتقد است.

و با تجسم خدا در مجسمه ها و بت ها «شکتی» معتقد است.

و هندوئیزم امروزی به: انتقال ارواح معتقد است.

و به تکرار ولادت ها معتقد است.

و به عناصر پنج گانه و آنچه تابع آنها است از قبیل طلسم و تعویذ و تعلق به غیر الله متعقد است.

بنابر این همه موارد، اسلام هندوئیزم را رد می کند، زیرا هندوئیزم آموزه های انبیا را زیر پا گذاشته و توحید را فراموش کرده است.

اسلام از هر هندو را از طریق اسلام به باز گشت به سوی الله فرا می خواند، زیرا هیچ نجاتی نزد الله وجود ندارد مگر از این رهگذر.

الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ ...١٩﴾ [آل عمران: 19]

“در حقیقت دین نزد الله همان اسلام است"

الله متعال می فرماید:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٨٥﴾ [آل عمران: 85]

“و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است"

الله متعال می فرماید:

﴿... ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ ...﴾ [المائدة: 3]

“امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم."

هیچ نجاتی برای هندو و نه برای هیچ انسان دیگری وجود ندارد جز با این دین... اسلام.

اسلام دینی ضمن دین های دیگر روی زمین نیست، بلکه تنها دین توحیدی است که الله همه پیامبران را با آن مبعوث نموده است، پس همه انبیا جهت دعوت مردم بسوی توحید آمده اند و بر این توحید خالص امروز جز اسلام باقی نمانده است، در حالی که بقیه ادیان کم و یا بیش سهمی از شرک دارند.

اسلام، عبادت الله یگانه بدون هیچ چیز دیگر ، اطاعت از اوامر وی، و ترک نواهی وی و عدم تعدی از حدود وی را گویند، و ایمان به تمام آنچه وی درباره آنچه بوده و آنچه که خواهد بود، و بی زاری همه بت ها، تصاویر و نماد ها.

الله متعال فرموده اند:

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٨٠﴾ [الصافات: 180]

“منزه است پروردگار تو پروردگار شکوهمند از آنچه وصف می کنند"

الله متعال منزه است از آنچه که هندوها به عنوان تجسم وی در بت ها توصیف می کنند.

﴿وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٨١﴾ [الصافات: 181]

“و درود بر فرستادگان"

درود بر پیامبراني كه برای مردم پروردگارشان را معرفی می کنند، و وی را از هر نقیصه و کوتاهی منزه می دانند.

چرا هر هندو باید اسلام را بپذیرد؟

علاوه بر آن که اسلام دینی است که الله آن را برای بندگانش برگزیده است، اسلام شریعت الهی است که جز آن دیگری را نمی پذیرد، و علاوه بر این، کتاب های هندو که ممکن است حاوی بقایایی از پیشگویی هایی باشد، حاوی بشارت های فراوانی از اسلام و ظهور پیامبر اسلام محمد - صلی الله علیه وسلم - می باشد، این امر مستلزم آن است که یک هندو به اسلام گرویده و از راه نجات او در پیشگاه الله در روز قیامت هیچ تردیدی نداشته باشد.

و برخی از بشارت های اسلام که در کتاب های مقدس هندوئیزم هست تذکر می دهم.

اما قبل از ورود به بشارت ها در کتاب های هندوئیزم، می‌خواهم وضعیت قوانین تشریعی هندوئیزم را یادآوری کنم و اینکه یک هندو چگونه بدن خود را می سوزاند تا پاک شود.

و چگونه هندوها مراسم بیچاره گی غیرطبیعی را انجام می دهند.

این وضعیت از وضعیت اهل کتاب دور نیست، چون اهل کتاب به ویژه یهودیان نیز سختگیری و قیودات فراوانی در طهارت و محدودیت شدید در غذا داشته اند، سختگیری و قیودات مخصوص احکام تشریعی به سبب ستم، بغاوت، و فسادی که مرتکب شدند بر آنان وضع گردید.

الله متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿فَبِظُلۡمٖ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتۡ لَهُمۡ وَبِصَدِّهِمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرٗا ١٦٠﴾ [النساء: 160]

“پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه الله باز داشتند چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم”

کافی است در کتاب لاویان در تورات احکام حیض زن یهودی را بخوانید، تورات می گوید:

در دوران حیض روی هرچیزی که بخوابد نجس است، و روی هرچیزی که بنشیند نجس است، و هر کسی که به بستر او دست بزند، لباس خود را باید بشوید و با آب غسل نماید، و او تا شام نجس می باشد. و هر کسی که به چیزی که روی آن می نشیند دست بزند، باید لباس های خود را بشورد و با آب غسل نماید، و تا شام نجس می باشد. و اگر هنگام دست زدن بر تخت یا کالایی که روی آن نشسته باشد تا شام نجس می باشد. و اگر مردی با او هنگام عادت ماهانه اش بخوابد، تا هفت روز آن شخص نجس می باشد. و هر بستری که روی آن بخوابد نجس می باشد[51].

این احکام سخت به دلیل قساوت بنی اسرائیل به سخت شدن دلهای آنان بوده است.

الله متعال در تورات برای آنها خبر داده است که پیامبری را می فرستد که این همه سختی ها و قیودات را از سر آنها بردارد.

تورات برای ما می گوید که یعقوب علیه السلام هنگام احتضار دوازده پسر خود را فرا خواند و برای شان وصیت نمود، در وصیت نامهء معروف یعقوب در تورات چنین آمده است:

و یعقوب پسران خود را فرا خواند و گفت: «جمع شوید تا به شما از چیزی خبر دهم که در روزهای آخر اتفاق می افتد. ای پسران یعقوب جمع شوید و بشنوید و به پدرتان اسرائیل گوش فرا دهید.

---

[51] سفر لاویان، فصل 15، شماره های 20-24.

...

سپس به یهودا گفت، و یهوذا پدر بزرگ پیامبران: داوود و سلیمان و عیسی علیهم السلام است.

به او گفت:

عصای حکم از یهوذا دور نخواهد شد تا این که صاحب شریعت در مقابل پاهایش قرار گیرد شیلون بیاید و مردم تابع وی گردند[52].

این متن بدون اختلاف در میان اهل کتاب مژدهء بزرگ و بسیار مهمی است!

این مژدهء کسی است که می آید و نبوت و زعامت و تشریع به او منتقل می گردد.

عصا از یهودا دور نمی شود: قضیب بمعنی عصای داوری است، یعنی در ذریهء یهوذا پیامبران و فرمانروایان خواهند بود.

تا این که شیلون بیاید و مردم تابع او می گردند.

این شیلون کی هست که یعقوب علیه السلام پیشگویی وی را کرده است، و مردم تابع او می گردند؟

قبل از پاسخ به این پرسش، باید بدانیم که آخرین پیامبر بنی اسرائیل، مسیح (علیه السلام) و از نسل یهوذا بوده است.

سپس توقف ناگهانی انبیا در بنی اسرائیل به میان آمد!

طبق پیشگویی حضرت یعقوب علیه السلام فرض بر این بود که پس از توقف پیامبری در بنی اسرائیل، حکم، نبوت و تشریع به شخص دیگری از خارج از یهوذا منتقل شود، آیا اینطور نیست؟

---

[52] سفر تکوین، باب: 49، شماره های: 1-2 و 10.

پس معلوم است که این شخص مسیح نیست، زیرا مسیح از نسل یهودا بود!

و امت این شخص زمین یهوذا را بر اساس نبوت یعقوب تسلیم خواهد شد: «عصای حکم از یهودا دور نخواهد شد تا این که صاحب شریعت در مقابل پاهایش قرار گیرد شیلون بیاید و مردم تابع وی گردند، امت این نبی بعدی سرزمین ... فلسطین را تسلیم او خواهد شد، و بزرگترین امپراتوری ها برای امت وی زانو خواهند زد!

عمر بن خطاب رضی الله عنه در خلافت خود سرزمین یهوذا را تسلیم شد و سرزمین شام و عراق و فارس به اسلام گرایدند.

این حقیقتی است که نیاز به بُعد نظر و نوشتن ندارد!

بنابراین تاریخ به ما می گوید که پیشگویی در وصیت یعقوب برای پسرانش نموده بود محقق گردید، و بر هیچ پیامبری صدق نمی کند بجز از محمد صلی الله علیه وسلم و تفصیل این وصیت بر هیچ امتی صدق نمی کند بجز امت وی!

اما معنی کلمه شیلون چیست؟

شیلون بمعنی استراحت دهنده و یا رفع کنندهء قیدها Rest-giver، این معنای است که بسیاری از سایت های تحقیقات متخصص کتابیه در عصر قدیم بر آن هستند[53].

یعقوب علیه السلام آنان را به کسی بشارت می دهد که قیدها و بندها و محدودیت هایی را که بر آنان وضع گردیده بود برمی دارد.

حالا بیایید قول الله متعال را بخوانیم:

---

[53] https://www.christiancourier.com/articles/1101-who-is-the-mysterious-shiloh Rest-giver or peace-bringer. http://www.abideinchrist.com/messages/gen49v8.html Shiloh is the man of rest, the giver of rest or rest-bringer.

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٥٧﴾ [الأعراف: 157]

“همانان كه از اين فرستاده پيامبر درس نخوانده كه [نام] او را نزد خود در تورات و انجيل نوشته مى يابند پيروى مى كنند [همان پيامبرى كه] آنان را به كار پسنديده فرمان مى دهد و از كار ناپسند باز مى دارد و براى آنان چيزهاى پاكيزه را حلال و چيزهاى ناپاك را بر ايشان حرام مى گرداند و از [دوش] آنان قيد و بندهايى را كه بر ايشان بوده است برمى دارد”.

حالا اجازه دهید به کتاب های مقدس هندوئیزم بپردازیم[54].

هندوئیزم، همان‌طوری که اشاره کردم، مملو از آیین‌های دشوار برای سوزاندن شهوت جهت پاک کردن انسان از گناهان است.

با این هم کتاب های هندوها به پیامبر بزرگی بشارت می دهند تا که بار آنها را از دوششان بر دارد و از گناه پاک شان کند.

کتاب های هندوها می گوید: کالکی در دوازدهم ظهور مهتاب در ماه مادهو متولد می شود[55].

و کالکی بمعنی: کسی که از گناهان پاک باشد.

---

[54] در این مورد در بشارت یعقوب علیه السلام به فرزندانش تفصیل داده ام، قبل از ورود به بشارت های هندوئیزم چون دلیل مستقلی بر صحت اسلام خارج از دایرهء اسلام می باشد.

[55] کالکی پران، ادهیای: 2، شلوک: 15.

و ماه مادهو: ماه بهار است که برای نفس ها دوست داشتنی است.

پیامبر که می آید آنان را از گناهان پاک می سازد و در دوازدهم ماه بهار متولد می شود.

و چنانچه نزد جمهور اهل علم مسلمانان تولد محمد صلی الله علیه وسلم را در دوازدهم ماه ربیع الاول می دانند.[56]

و اما محل تولد او صلی الله علیه وسلم در کتاب های مقدس هندو چنین آمده: «کالکی در روستای شامبهال متولد می شود، در حصهء پایانی خانه، در خانهء مردی به نام شنویش57.»

و اما قریهء شامبهل بمعنی سرزمین امن است.

و سرزمین امن مکه است.

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلٗا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٢٦﴾ [البقرة: 126]

"و چون ابراهیم گفت پروردگارا این [سرزمین] را شهری امن گردان"

و پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه متولد شده است.

---

[56] صحیح سیرهء نبوی، محمد بن ناصر البانی، ص 13، به نقل از کتاب: دعوت هندوها به اسلام، رساله دکتری تهیه شده توسط: دکتر .ابراهیم عبدالغفور، ص ١٩٨.

[57] کالکی پران، ادهیای: 2، شلوک: 4.

و اما قول این که: در خانه مردی به نام وشنویاش، و کلمه وشنویاش بمعنی عبدالله است.

و اما مادر این پیامبری که می آید او را سومتی می نامند: «کالکی در خانهء وشنویاش از همسرش سومتی متولد می شود[58].«

و سومتی از کلمهء امن گرفته شده... بمعنی: آمنه می باشد.

و معلوم است که نام مادر محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم آمنه است.

بر اساس آیین هندوئیزم، کالکی از دهکدهء خود شمبهل بیرون می آید، با شیطان مبارزه می کند، تاریکی، فساد و ظلم را از بین می برد، سپس در آخرین روزهای زندگی خود به آن بر می گردد، و پس از آن الله وی را به آسمان بالا می برد.

این حقیقت را هر مسلمان می داند، و نبی محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم از مکه به مدینه رفت و توحید را در بین مردم پخش نمود، سپس بعد از چند سال محدود قبل از وفاتش فاتح گونه به مکه برگشت نمود.

هندوئیزم صفاتی را به این پیامبری که می آید اضافه نمودند که ما با آنها موافق نیستیم، مانند اینکه الله در کالکی مجسم گردیده - طبق عادت شان - الله متعال از این حرف ها منزه و بالاتر است، و ما قبلاً پاسخ این تهمت را از کتاب های ودا به تفصیل بیان نمودیم.

الله متعال در مخلوقاتش مجسم نمی شود و آسمانها و زمین او را احاطه کرده نمی تواند.

---

58 کالکی پران، ادهیای: 2، شلوک: 11.

اما یکی از خصوصیاتی که در کتاب های شان در مورد این پیامبری که می آید من را متوقف کرد این است که او بالای اسب سفید سوار می شود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم اسپ سفیدی داشت به نام مرتجز[59].

مجسمه‌های هندوئیزم پیامبر که می آید کالکی را به شکلی به تصویر می کشند که سوار بر اسب سفید است و شمشیر را بر روی شانه‌اش قرار داده می باشد، و تمام تصاویر و مجسمه هایی که در هندوئیزم از کالکی دیده ام وی را به این شکل به تصویر کشیده اند.

پس او پیامبر مجاهد است، و این وصف پیامبر محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسم است که با شمشیر جهاد نمود و با دشمنان الله جنگید.

همچنین از جمله خصوصیات که در کتاب های شان پیرامون پیامبری که می آید این است: وی از غیب خبر می دهد، نجیب ترین قوم خود است، کم حرف می زند، سخاوتمند، با هیکل نیرومند، و معترف احسان می باشد.

اما یکی از خصوصیات بارز وی این که: «کالکی شیطان را به کمک چهار تن از یارانش هلاک می‌کند[60].

و با خواندن این متن در ذهن هیچ مسلمانی جز :ابوبکر صدیق، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، و علی بن ابی طالب رضی الله عنهم کسی دیگر خطور نمی کند.

آنان نزدیکترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند، و از همان آغاز دعوت، او را یاری کردند و پس از وی جانشینان وی بودند.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم چهار یار مشخص داشت که به وی نزدیک بودند و عملا در دعوت از وی حمایت کردند.

---

[59] حاکم در مستدرک روایت کرده و گفت: سند این حدیث صحیح است.

[60] کالکی پران، ادهیای: 2، شلوک: 5.

آنان کسانی بودند که پس از وفاتش خلافت مسلمانان را به ترتیب رهبری کردند:

ابوبکر صدیق.

عمر بن الخطاب.

عثمان بن عفان.

علی بن ابی طالب.

و پس از کشته شدن علی بن ابی طالب رضی الله عنه، دوران خلافت راشدین به پایان رسید.

و از خصوصیات دیگر کالکی این است که فرشتگان از آسمان فرود می آیند تا او را در جنگ ها یاری کنند[61].

این یکی از ویژگی های جهاد اسلامی در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، که در غزوات رسول الله صلی الله علیه وسلم فرشتگان از آسمان نازل گردیده اند. الله متعال فرموده اند:

﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ٩﴾

[الأنفال: 9]

"به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید پس دعای شما را اجابت کرد که من شما را با هزار فرشته پیاپی یاری خواهم کرد".

61 ۷۱ [کالکی پران، ادهیای: ۲، شلوک: ۷.

و کالکی در کتاب های هندوئیزم به کوه می‌رود تا از فرشته‌ء بزرگ «براش رام» بیاموزد و سپس به سوی شمال می‌رود و پیش از آن‌که الله وی را به آسمان بلند کند به قریه‌ء خود باز می‌گردد[62].

و براش رام نزد هندوان: پادشاه بزرگی است که برای کافران عذاب می آورد، و او نزد مسلمانان جبرئیل است.

و واقعا پیامبر صلی الله علیه وسلم به کوه حراء رفت و جبرئیل علیه السلام بر وی نازل شد، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به سوی شمال به مدینه هجرت نمود، مهاجر شد، سپس چند سال قبل از وفاتش فاتح گونه به مکه برگشت نمود.

و کالکی در کتاب های هندوان آخرین رسولان خواهد بود[63].

و معلوم است که محمد صلی الله علیه وسلم آخرین پیامبران و رسولان است

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمًا ٤٠﴾ [الأحزاب: 40]

"محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده الله و خاتم پیامبران است و الله همواره بر هر چیزی داناست".

وصف پیامبری که می آید در کتاب های هندوان چنین آمده است: زیاد ستایش کننده ... نراشنس.

پس: نراشنس بمعنی: زیاد ستایش کننده.

یعنی محمد و یا احمد.

---

[62] كالكي بران، ادهياي 3، شلوك 1-5.

[63] بهاگوات پران، اسكند: 1، آدهیای: 3، شلوک: 25.

و هر دو نام برای رسول الله صلی الله علیه وسلم است پس او: محمد و او احمد است.

و از ویژگی های نراشنس این است که: « مرکب او شتر می باشد، و دوازده خانم داشته می باشد، و او با مرکب خود آسمان را لمس می کند سپس پایین می آید[64].«

این صفات برای هیچکس جز محمد صلی الله علیه وسلم صدق نمی کند.

اما این که مرکب وی شتر می باشد، این موضوع هم از حال او صلی الله علیه وسلم معلوم بود، و اتفاقاً این نشانه مهمی است که علیرغم گفتهء کتاب های هندوان مبنی بر این که وی خاتم پیامبران خواهد بود، مگر این که وی قبل از ایجاد خودرو ها و هواپیماها مبعوث می گردد[65].

و در این اشارهء دیگری هست مبنی بر این که این پیامبر که می آید خارج از برهمن های هندوان خواهد بود چون آنان شتر را حرام می پندارند.

و اما اینکه وی دوازده همسر دارد، این از سیرهء محمد صلی الله علیه وسلم معلوم است.

و اما این که وی با مرکب خود آسمان را لمس می کند سپس پایین می آید، این همان سفر اسراء و معراج است، سفری که هر مسلمان باورمند است که پیامبر صلی الله علیه وسلم که این ماجرا برای وی اتفاق افتیده به آسمان بلند شده است.

در همین فصل از کتاب مقدس هندوان از هجرت نراشنس سخن گفته و وی را به نیکی ستایش نموده است و می گوید: «ای مردم، نراشنس را گرامی بدارید، من از آن مهاجری که امنیت را برقرار می کند، محافظت می کنم[66].«

---

[64] آتهر وید، کند: 20، سوکت: 127، مینترا: 2.

[65] دعوت هندوان به اسلام، رساله دکتوراه تهیه شده توسط: دکتر. ابراهیم عبدالغفور، ص ۲۱۵.

[66] اتهر وید، کاند: 20، سوکت: 127، مینترا: 1.

آن مهاجر: یکی از بزرگترین وقایع سیرت النبی هجرت محمد صلی الله علیه وسلم از مکه به مدینه برای پخش امنیت و توحید در میان مردم بود.

در مانترای ذیل از جهاد او صلی الله علیه وسلم حرف می زند و می گوید: « تسبیح گو با تسبیح گویان به جنگ می رود و برای مردم امنیت می آورد[67].»

او پیامبری مجاهد است توسط جهاد در راه الله امنیت را در میان مردم پخش می نماید.

و در کتاب های آنان ده ها متن در مورد مژده به اسلام، پیامبر اسلام، سیرهٔ وی، دعوت وی در مکه مکرمه وجود دارد.

و ممکن است برخی از هندوان با برخی این متن ها مخالف باشند، و ممکن است آن را نفی کنند چون اشاره های صریح به پیامبر صلی الله علیه وسلم دارد، این مسائل نباید هندوانی را که واقعا به دنبال حقیقت هستند مشغول سازد، و این بشارت و مژده ها برای استئناس است نه چیزی بیشتر، از این رو، با وجود فراوانی و تنوع این بشارت ها تفصیل زیاد ارایه ننمودم، زیرا بزرگترین دلیل بر صحت اسلام، رسالت خود اسلام، دعوت بسوی توحید، و آواز فطرت در آن است، و تهی بودن هر دین روی زمین از کمال برآوردن نیازهای انسانی برای شناخت هدف انسان و سرنوشت او می باشد.

و روی زمین هیچ چیزی باقی نماند جز بت پرستی و شرک و الحاد، و بر توحید خالص و تنزیه الله جز اسلام چیزی دیگر باقی نماند.

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ۝١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ۝٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ۝٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ۝٤﴾

[الإخلاص: 1-4]

---

[67] اتهر وید، کاند: 20، سوکت: 127، منترا: 5 و چیزی که بعد از آن میاید.

“بگو الله یگانه است الله صمد و بی نیاز است [کسی را] نزاده و زاده نشده است و هیچ کس او را همتا نیست”

اسلام چیست؟

ج: اسلام عبارت است از: تسلیم شدن، خضوع و گردن نهادن در برابر الله متعال.

الله جل شأنه می فرماید

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا١٢٥﴾ [النساء: 125]

“و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم الله کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی نموده است و الله ابراهیم را دوست گرفت”

و معنای أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّـهِ: یعنی برای الله تسلیم گردید، و در برابر او ذات مقدس گردن نهاد، و این بهترین مردم از لحاظ دینی است.

الله متعال می فرماید

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكٗا لِّيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۗ فَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَلَهُۥٓ أَسۡلِمُواْۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ٣٤﴾ [الحج: 34]

“پس معبود شما الله یگانه است پس به او گردن نهید و فروتنان را بشارت ده”

و معنی فَلَهُ أَسْلِمُوا یعنی: تسلیم حکم او باشید.

این آیات دلالت بر این دارد که منظور از اسلام، تسلیم مطلق در برابر الله متعال، پیروی از قانون و رویکرد او با رضایت و پذیرش، و این اصل و حقیقت اسلام است.

پس اسلام، تسلیم بودن در برابر الله متعال در احکام و شریعت اوست.

اسلام دین الله برای همه انسان هاست، الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩﴾ [آل عمران: 19]

"در حقیقت دین نزد الله همان اسلام است " اسلام دینی است که الله متعال جز اسلام، ادیان دیگر را نمی پذیرد.

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل عمران: 85]

"هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است"

و اسلام یگانه دینیست که برای وحدانیت الله متعال دعوت می کند، وحدانیت که تمام پیامبران به آن فرستاده شده بودند، و تمام پیامبران با عقیدۀ توحید بودند، هرچند اگر قانون و شریعت ایشان با هم متفاوت بود.

الله متعال فرموده اند:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبياء: 25]

"و ما هیچ رسولی را پیش از تو به رسالت نفرستادیم جز آنکه به او وحی کردیم که به جز من معبودی نیست، پس مرا به یکتایی پرستش کنید و بس".

و به این توحید جز اسلام هیچ دین دیگری باقی نمانده است.

اسلام یگانه دین توحیدی امروز روی زمین است.

در حالی که همه کسانی که به شریعت های دیگر منسوب هستند، کم و یا بیش موارد شرکی در شریعت ایشان رخنه کرده است. پس از درگذشت پیامبران، و بعد از اینکه مردم را بر عقیدۀ توحید رها کردند، مردم به مرور زمان به امور شرکی رو آوردند. و امروز بر عقیدۀ ناب و پاکیزۀ پیامبران الهی، دینی غیر از اسلام باقی نمانده است.

بنابراین بزرگترین دلیل بر درستی اسلام که یک هندو باید به آن توجه کند پیام ناب و خالص توحیدی این دین است.

آیا در اسلام به پرسش های که پاسخ آنها عقل ها را متحیر نموده پاسخی وجود دارد: از کجا آمده ایم؟ چرا ما اینجا در این جهان هستیم؟ و مصیر ما به کدام سو است؟

ج: اسلام، همۀ این پرسش ها را در یک آیت قرآن کریم پاسخ داده است، الله متعال فرموده اند:

﴿وَمَالِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ۝٢٢﴾ [یس: 22]

"و چرا باید من الله آفریننده خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما (و همه خلایق) به سوی اوست."

از کجا آمده یی؟ الله مرا آفریده (ذاتی که مرا آفرید)

و من کجا می روم؟ من به سوی الله می روم، تا از کار خود بازخواست شوم (وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (و به سوی او بازگردانده می شوید)

چرا به این جهان آمده ام؟ برای پرستش الله متعال، و آزمایش.

چرا الله متعال را بپرستم؟ طبیعیست، کسی را بپرستم که مرا آفریده است، این طبیعت ارتباط میان بنده و پروردگارش است، که بنده پروردگار و آفریده گار خود را بپرستد، (وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي) و چرا باید من اله آفریننده خود را نپرستم .

یک آیت قرآنی، پاسخ سه پرسشی که تمام بشر را متحیر نموده، گنجانیده است:

﴿وَمَالِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ٢٢﴾ [يس: 22]

{" و چرا باید من الله آفرينندهٔ خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما (و همه خلایق) به سوی اوست ".

از کجا فهمیدی که محمد صلی الله علیه و سلم فرستاده الله است؟

ج: تعدد دلایل بر اعجاز، دلالت بر استمرار معنوی و یقین کامل می کند.

ارسطو با مجموع آثارش فیلسوف است نه با یک جمله ای که گفته است و یا تحلیل فلسفی که انجام داده است.

ابو قراط با مجموع پروژه های پزشکی خود یک پزشک است، نه با یک عمل جراحی اش.

همچنین تعدد دلایل معجزه های پیامبر صلی الله علیه وسلم، حکایت از استمرار و یقین کامل به پیامبر بودن وی را دارد.

اگر به زندگی نامهٔ محمد صلی الله علیه وسلم نگاه کنید، اورا راستگو درمیابید، و به اعتراف سخت ترین دشمنان او به راستگویی مشهور بود، و او را به دروغ گویی و فسق متهم نکردند. سپس از غیب خبر می دهد، و همانطوری که گفته است اتفاق می افتد. و قبل از این عقیدهء او با همه پیامبران قبلی یکسان می باشد، و او کسی هست که پیامبران قبلی از قدوم او صلی الله علیه وسلم صدها سال قبل مژده

داده اند، این همه تسلسل معنوی و یقین کامل از صحت و صدق پیامبری او صلی الله علیه وسلم می کند.

پس بزرگ ترین معجزهٔ که با خود آورده، قرآن کریم است؟

قرآنی که الله متعال تمام ادیبان و زبان شناسان را با چالش کشانید، تا مانند آن یا سوره ای از آن بیاورند، اما نتوانستند.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّـهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ ﴿٣٨﴾ [یونس37] .

"یا می گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گویید سوره ای مانند آن بیاورید و هر که را جز الله می توانید فرا خوانید".

الله متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤﴾ [البقرة: 23-24]

"و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید پس اگر راست می گویید سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر الله فرا خوانید .پس اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد از آن آتشی که سوختنش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بپرهیزید"این قول الله متعال را ملاحظه بفرمایید

﴿فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤﴾ [البقرة: 24]

“اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد”

پس هرگز نکردند و نتوانستند.

قرآن کریم تا این زمان، ادیبان مشرکان و سخنوران ماهر را به چالش می کشاند، و در همه آنان از مخالفت با آن سر خم می کننند، و از همنوعی با آن ابا می ورزند.

دوکتور عبدالله دراز رحمه الله می فرماید: «آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم با این چالش نمی ترسید که شور تعصب آنان را برانگیزد؟

پس به رقابت او قیام می کردند در حالی که همهٔ آنها احتیاط خود را می گرفتند، و اگر گروهی از سخنورانشان باهم یک دست می شدند تا این که یک سخنی به میان بیاورند که با قرآن همردیف باشد، حتی اگر در بعضی جنبه های آن هم بوده باشد!

پس اگر نفسش او را وادار می کرد، که این حکم را بر مردم زمان خود جاری کند، پس چگونه آن را به نسل های بعدی منتقل می کند؟

کسی که وزن وقیمت خود را نداند، با این ماجرا پیش نمی رود، مگر اینکه دستش را از تصرفهای قضا و اخبار آسمان پُر کند، و همین طور آن را در میان مردم دنیا افکند، این قضاوت نهایی بود، و هرکسی که با آن مخالفت کرد، در طول عصرها و زمانه ها، به ناتوانی و شکست آشکارا مواجه می گردد.(".

مشرکان به این نتیجه رسیدند که بسیج لشکر و تشکیل گروه ها برای جنگ با رسول الله صلی الله علیه و سلم، ساده و آسانتر از مخالفت با قرآن است، این اوج تلاش ایشان بود

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ٢٦﴾ [فصلت: 26]

"و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید"

نه عرب ها، و نه ملت های که این چالش برای شان رسیده بود، کاری توانستند انجام دهند، کاری که مورد قبول ملحدان و راحت دیگران قرار گیرد.

الوسی رحمه الله می فرماید: «هیچ یک از آنان تا امروز سخنی بر لب نیاورده اند و نه اعراب صفت و یا موصوف را کرده اند».

جبیر بن مطعم که هنوز اسلام نیاورده بود گفت: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام مغرب سورۀ الطور را می تلاوت می کردند، و هرگاه به این آیت می رسیدند:

﴿أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٣٥ أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ٣٦ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَيۡطِرُونَ ٣٧﴾ [الطور: 35-37]

" آیا این خلق (بدون خالق) از نیستی صرف به وجود آمدند؟ یا (خویشتن را) خود خلق کردند؟ یا آنکه آسمانها و زمین را این مردم آفریدند؟ نه، بلکه به یقین (الله را) نشناختند. آیا گنجهای رحمت پروردگارت نزد آنهاست یا هیچ قدرت و سلطنتی دارند."

می فرمودند: نزدیک بود دلم پرواز کند[68]."

قرآن حاوی اسرار شگفت انگیزی است که به نفس انسانی می رسد.

---

[68] صحيح بخاري، ح: 4854

فکر کن، چگونه زنان مشرک هنگام تلاوت قرآن در اطراف خانه ابوبکر رضی الله عنه ازدحام می‌کردند، زیرا آنان چنان مجذوب و متأثر شده بودند که مردان قریش از آن به وحشت افتادند[69].

به همین دلیل است که هیئت های عرب باهم توافق نمودند که به قرآن گوش ندهند، و برای خانواده هایشان شنوانده نشود، این تنها راه ماندن در کفر است.

از شگفتی ها و عجایب قرآن کریم، آنچه را که دکتر عبدالله دراز (رحمه الله) در مورد نزول آیات قرآن در زمان های متفاوت ذکر کرده است تمام نمی شود، سپس به قرار دادن پیامبر صلی الله علیه وسلم به برخی از آیات در مکان های مشخص بین سوره ها و آیات دیگر اشاره نموده است .در نهایت هر سوره بمثابۀ بنای مستقل ظاهر می گردد، او رحمه الله می فرماید: «در زمان نزول قرآن برخی مباحث قرآن جدا از موضوعات دیگر رو به افزایش بود، و به تدریج پس از نازل شدن آیات دیگر تکوین و تشکیل می‌شد، و برخی از آن‌ها در اینجا اضافه می‌شد، و برخی دیگر در آن جا باهم تداخل داشته اند، پس از ضمیمه نمودن آیت های که بعدا نازل شده بود، بنابر دستور رسول الله صلی‌الله‌علیه وسلم، که او به نوبۀ خود از روح القدس جبریل علیه السلام دریافت می نمود.

اگر تاریخ های بی شماری - تاریخ نزول آیات قرآن کریم - را در نظر بگیریم، و متوجه شویم که این نزول عموماً مربوط به شرایط و مناسبت های خاصی بوده است، ما را به تعجب وا می دارد که چه زمانی این روند سازماندهی و ترتیب هر سوره بشکل واحدهای مستقل صورت گرفته است.

گویی قرآن قطعاتی پراکنده و شماره گذاری شده از یک بنای باستانی است که قرار بود در جای دیگری به همان شکل قبلی بازسازی شود، وگرنه چگونه می توان این ترتیب فوری و سیستماتیک را توضیح داد، در رابطه به بسیاری از سوره ها؟

---

[69] صحيح بخاري، ح: 3905.

مگر چه تضمین تاریخی وجود دارد که انسان آن را در برابر وضع این چنین پلان ها برای رویدادهای آینده، الزامات تشریعی بدست بیاورد، و راه حل های مورد نظر برای آنها، علاوه بر شکل ادبی که باید به این راه حل ها ارائه شود، و نیز همخوانی از لحاظ اسلوب با این سوره عوض سورۀ دیگری؟

آیا به این نتیجه نمیرسیم که تکمیل این طرح و تحقق آن به گونۀ مطلوب، مستلزم دخالت خالق بزرگی باشد، که توانایی برقراری این هماهنگی مطلوب را داشته باشد؟[70]."

قرآن معجزۀ مستقلی از صدق نبوت او صلی الله علیه وسلم است.

و معجزات او صلی الله علیه وسلم، که به دست او واقع شده است بسیار زیاد است، و از مرز هزار معجزه می‌گذرد، و از وقوع آن زمانی زیاد نگذشته، و ناقلان خبر آن معجزه ها صادق‌ترین و صالح‌ترین خلق بودند.

و این راویانی که این معجزات را به ما نقل کردند، دروغ در مورد اشیای کوچک را جایز نمی شمردند، پس چگونه بر وی دروغ می گفتند، حالانکه آنان می دانستند، هر کس عمداً به او دروغ بگوید، آمادۀ قرار گرفتن در آتش دوزخ می باشد، چنانچه او صلی الله علیه وسلم به آن هشدار داده است.

برخی از معجزات او صلی الله علیه وسلم، را هزاران صحابه شاهد بوده اند، و برخی را ده ها تن از آنان نقل کرده اند، پس چگونه در این همه موارد، همۀ شان در گفتن دروغ توافق نظر داشته باشند؟

و نمونه ای از معجزه های وی که جمع کثیری از مردم شاهد آن بودند: حدیث ناله و شکوۀ تنۀ درخت خرما، که از احادیث مشهور و متواتر است می باشد، چنانچه پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام ارایه خطبه، به همان تنۀ درخت خرما تکیه می نمود، هنگامی که برایش منبر ساخته شد و سر منبر بلند شد، دراین لحظه تنۀ درخت

---

[70] کتاب مدخل إلى القرآن الكريم، د. عبد الله دراز.

خرما به گریه و ناله آمد، مانند نالۀ کودک می نالید، و تا لحظه یی می نالید که پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را در آغوش گرفت، سپس ناله اش متوقف شد.

این حدیث را اصحابۀ کرام هریک: انس بن مالک، جابر بن عبدالله، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، ابی بن کعب، ابی سعید، سهل بن سعد، عایشه بنت ابی بکر و ام سلمه رضی الله عنهم نقل کرده اند.

آیا مانند این تعداد از صحابه بر دروغ گویی در نقل چنین خبری اتفاق نظر داشته می توانند؟

همانا برخی از معجزات او را هزاران صحابه مشاهده کرده اند، مانند خروج آب از بین انگشتان مبارک شان، تا اینکه از آن وضو گرفتند، و هزار و پنج صد صحابی از آن نوشیدند، این حدیث متواتر است و آن را بخاری و مسلم روایت کرده اند.

و فراوانی غذای اندک برای اطعام لشکر بزرگ از آن، و این نیز اخبار متواتر از صحابه است، و تنها بخاری معجزات زیاد شدن طعام به دست پیامبر صلی الله علیه وسلم را - در پنج جا - در صحیحش ذکر کرده است[71].

اگر ادله صدق ثابت است و معجزه ها پیرامون نبوت او صلی الله علیه وسلم زیاد است، پس چگونه یک انسان عاقل همه این ها را انکار می کند؟

چند نمونۀ دیگر از معجزه های او صلی الله علیه وسلم:

در یکی از شبها رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند که باد شدیدی خواهد وزید، و مردم را از قیام اللیل (نماز تهجد) نهی کرد، پس مردی برخاست و باد او را برد و به جایی دور از جایش انداخت[72]..

---

[71] البخاری (1217) ، البخاری (2618) ، البخاری (3578) ، البخاری (4101) ، البخاری (6452) و همه آنها حوادث مختلف و متفاوت هستند و این تنها در بخاری است!

[72] صحیح مسلم، ح: 3319

و او صلی الله علیه وسلم، در روز که نجاشی وفات نمود، از مرگ او خبر داد، و چهار تکبیر نماز جنازه اش را ادا کرد[73].

و پیامبر صلی الله علیه و سلم از شهادت عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر رضی الله عنهم خبر داد، و اینکه آنها مانند بقیۀ مردم بر بالین خود نمی میرند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم، روزی به همراه ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر رضی الله عنهم بالای کوه بلند شدند، سنگی حرکت کرد، رسول الله صلی الله علیه و سلم به کوه فرمود :آرام باش، بالای تو کسی نیست جز پیامبر ویا صدیق ویا شهید[74]."

پس برای خود به نبوت، و برای ابوبکر رضی الله عنه به راستگویی، و برای بقیه به شهید شدن حکم کرد، چنانچه او صلی الله علیه وسلم گفته بود، همانطور اتفاق افتید.

150حدیث دیگری است که پیامبر صلی الله علیه و سلم دعاء نمود و الله متعال بدون تاخیر دعاهایش را مستجاب کرد در حالی که مردم مشاهده می نمودند[75]!

و چون اهل مکه از رسول الله صلی الله علیه و سلم خواستند که معجزه ای به آنها نشان دهد، او صلی الله علیه وسلم مهتاب را دو تقسیم نموده و به آنان نشان داد، تا اینکه غار حرا را در میان آن دیدند، و این حدیث متواتر است، یعنی در بالاترین درجه صحت قرار دارد.

---

[73] صحيح البخاري، ح:1333.

[74] صحيح مسلم، ح:2417.

[75] این احادیث را سعید بن عبدالقادر در کتاب دلائل النبوه گردآوری کرده است، و کتاب از انتشارات دار ابن حزم است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم، سورهٔ قمر را که حاوی معجزهٔ شکافتن ماه است، در تجمعات بزرگ مانند جمعه ها و اعیاد تلاوت می نمود، تا این که مردم معجزه های او صلی الله علیه وسلم را بشنوند، و برای رسالت اش آنها را دلیل قرار می داد.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است که آدم آخرین موجود زنده است که آفریده شده است، و می فرماید: «آدم بعد از نماز عصر روز جمعه در آخر خلق آفریده شد[76]."

و این حقیقت علمی اکنون به اثبات رسیده است، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم از کجا می دانست که آدم علیه السلام از لحاظ خلقت آخرین موجود روی زمین و پس از ظهور گیاهان و حیوانات بوده است؟

به این سخن الله متعال بنگر :

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيۡنِۖ فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ وَلِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ وَكُلَّ شَيۡءٖ فَصَّلۡنَٰهُ تَفۡصِيلٗا ١٢﴾ [الإسراء: 12]

"و ما شب و روز را دو نشانه‌ای (از قدرت خود) قرار دادیم آن‌گاه نشانهٔ شب (روشنی ماه) را زدودیم و نشانهٔ روز (خورشید) را تابان ساختیم "

فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ: یعنی مهتابی که نشانهٔ شب است و می تابید، سپس نورش محو گردید.

و عملا این همان چیزی است اصحابه آیت شریف را با آن تفسیر کردند، امام ابن کثیر در تفسیر خود روایت کرده است که عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می فرماید: «در ابتداء مهتاب مانند خورشید می درخشید، و آن نشانهٔ شب است، پس درخشش آن محو شد».

---

[76] صحیح الجامع، 8188.

نکتهٔ عجیب این است که علم امروز به همین نتیجه دست یافته اند، زیرا ناسا در وب سایت رسمی و کانال رسمی خود منتشر کرده است که: مهتاب در اولین برههٔ زمانی عمر اش، روشن و درخشان بود[77].

بشکل متواتر ثابت شده است که معجزه ها و اخبار غیب و اسرار دقیق زمین و آسمان بی شمار توسط یک فرد صلی الله علیه وسلم به وقوع پیوسته است، و نزول قرآن بالای وی، و با آنچه که پیامبران پیش از وی بودند آورد، و مورد حمایت الله متعال قرار گرفت، و درنگذشت، تا اینکه شریعت تکمیل و پایان یافت.

پذیرفتن این که وی پیامبر است، اوج عقلانیت است!

معجزه های غیبی وی صلی الله علیه وسلم بیش از هزار مورد است.

و ناقلین خبر معجزه های وی، صحابهٔ وی هستند، که صادق ترین مخلوق و صالح ترین آنها پس از وی بودند.

عجیب این است که بزرگان صحابه قبل از اینکه معجزه را ببینند اسلام آوردند، چون اسلام آوردن آنان بر اساس شناختی که از صدق و عدم دروغ رسول الله صلی الله علیه وسلم داشتند، صورت گرفت.

این موقف و تصمیم بزرگان صحابه، تصمیم عقلانی و حکیمانه ای بود، پس راستگویی پیامبر صلی الله علیه و سلم دلیل کافی و مستقلی برای اثبات صحت نبوت می باشد، چون: کسی که دعوای نبوت می کند، یا این که راستگو ترین مردم می باشد، چونکه او پیامبر است، و پیامبر باید راستگو ترین مردم باشد.

و یا این که: دروغگو ترین مردم باشد، زیرا او در بزرگ ترین موارد دروغ می بندد.

---

[77] http://www.nasa.gov/mission_pages/LRO/news/vid-tour.html
https://www.youtube.com/watch?v=UIKmSQqp8wY

راستگوترین مردم با دروغگو ترین مردم آمیخته نمی شوند، مگر بالای نادان ترین مردم[78].

برای یک انسان عاقل چقدر آسان است که راستگوترین و دروغگوترین مردم را از هم تشخیص دهد؟

مشرکان در روز اول بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم اعتراف کردند که او هرگز دروغ نگفته است، و به او گفتند: ما دروغی را از تو شاهد نبوده ایم[79]

و هنگامی که هرقل، قبل از اسلام آوردن ابو سفیان از او پرسید: «آیا قبل از این حرف هایش او را به دروغگویی متهم کرده بودید؟»

ابوسفیان گفت: نخیر.

هرقل گفت: او در برابر مردم دروغی نگفت، پس در مورد الله دروغ می گوید!

سپس هرقل سخن معروف خود را تکمیل نموده گفت: «اگر نزد او می بودم، پاهایش را می شستم[80]»

کفار در تمام عمر او صلی الله علیه وسلم نتوانستند یک دروغ او را فاش کنند، و به همین دلیل قرآن کفر آنها را با وجود آگاهی از حال او قبل از بعثت انکار کرد، الله متعال فرموده اند:

﴿أَمۡ لَمۡ يَعۡرِفُواْ رَسُولَهُمۡ فَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ۝٦٩﴾ [المؤمنون: 69]

---

[78] ثبوت النبوات عقلًا ونقلًا، ابن تيمية، دار ابن الجوزي، ص573، و به همان معنی در همین منبع ص318.

[79] صحيح البخاري، ح:4971.

[80] صحيح البخاري، ح:7.

” یا آنکه اینان رسول خود را نشناخته‌اند که او را انکار و تکذیب می‌کنند"

حالت و زندگی نامهٔ وی دلیل مستقلی بر پیامبری اوست

صلی الله علیه وسلم

اگر دلایل عمومی صداقت پشتوانه نبوت ایشان صلی الله علیه وسلم است، پس چگونه یک هندوی عاقل همه این ها را دروغ می پندارد؟

آیا ایمان به الله و کفر به پیامبران کفایت می کند همانطوری که هندو ها انجام می دهند؟

ج : نخیر.

اعتقاد به وجود الله و عدم ایمان به پیامبران برای مسلمان بودن انسان کافی نیست، این چه معنی می دهد که به الله آفریننده، روزی دهنده ومدبر ایمان بیاوری، سپس به وحی وی کفر می ورزی و پیامبرانش را انکار می کنی؟

این کفر بزرگی است.

همانا هیچ جنایتی بزرگتر از عدم پذیرفتن وحی الله نیست، الله متعال فرموده اند:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤۡمِنُ بِبَعۡضٖ وَنَكۡفُرُ بِبَعۡضٖ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُواْ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ١٥٠ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ حَقّٗاۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ١٥١﴾ [النساء: 150-151]

"آنان که به الله و رسولان او کافر شوند و بخواهند که میان الله و پیغمبرانش جدایی اندازند و گویند: ما به برخی (از انبیاء) ایمان آورده و به پاره‌ای ایمان نمی آوریم و می خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند به حقیقت اینها کافرند و ما برای کافران عذابی خوار کننده مهیا ساخته‌ایم"

هر کس به الله ایمان آورد و به پیامبران کافر شود، در حقیقت کافر است.

کسی که به پیامبری یکی از پیامبران کافر شود، به الله کافر است، زیرا او وحی الله را انکار کرده است، پس اهل کتاب به دلیل کفر به نبوت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم، کافر شدند

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ٦﴾ [البينة: 6]

"محقّقا آنان که از اهل کتاب کافر شدند (و عیسی و عزیر و رهبانان و احبار را به مقام ربوبیت خواندند) آنها با مشرکان همه در آتش دوزخند و در آن همیشه معذبند، آنها به حقیقت بدترین خلقند".و انذار الله متعال مبنی بر ورود آنان به دوزخ حق است

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٖۚ كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ١٤﴾ [ق: 14]

"وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید"

پس تنها پذیرفتن اسلام و نجات یافتن به این محقق نمی شود که انسان اعتراف بکند که الله متعال خالق، روزی دهنده، زنده کننده و میراننده است، بلکه ایمان به پیامبرانش نیز لازم است.

پس ایمان به وجود الله، و کفر به پیامبران کفایت نمی کند، و روز قیامت برای بنده نزد الله سودی نمی رساند، زیرا باید الله را بپرستد، و به همه رسولانش ایمان کامل داشته باشد.

اگر اعتقاد به وجود الله کافی بود، الله پیامبرانش را نمی فرستاد، و نه کتاب هایش را نازل می کرد، زیرا همه بشریت الله را به فطرت می شناسند.

الله که تو را آفرید و هدایت کرد و روزی داد، او تنها کسی است که سزاوار پرستش است، آن گونه که به وسیلهٔ فرستاده گان و پیامبرانش وضع نموده است.

پس بالای همه پیامبران و به خاتم الانبیاء که محمد بن عبد الله صلی الله علیه وسلم است ایمان آورد.

چرا الله شر را آفرید؟ یا به عبارت دیگر: یک مسلمان به «معضلهٔ شر» چگونه پاسخ می دهد؟

ج :فتنهٔ شر تقریباً بزرگترین مشکل هندوئیزم و فلسفهٔ هندوئیزم است، این که انسان در ویرانه ها زندگی می کند، تا زمانی که از شر رهایی یابد، و هندوئیزم تولد دوباره را به دلیل شری که انسان در زندگی قبلی مرتکب شده است می داند.

این همه اشتباه است، به ساده گی باید گفت که شر در جهان وجود دارد: چون ما مکلف هستیم.

زیرا ما در جهان آزمایشی هستیم.

الله متعال فرموده اند:

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ٣٥﴾ [الأنبياء: 35]

“و ما شما را به شر و خیر مبتلا می کنیم تا شما را بیازماییم "

پس خیر و شر هست، چون تو مکلف هستی، و هدف وجود تو مکلف بودن تو است.

الله متعال فرموده اند:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾

[الملك: 2]

"ذاتی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و بسیار آمرزنده است"

پس هرگاه ما مکلف هستیم، طبیعی است که فتنه ها، و آزمایش ها وجود داشته باشد، و همچنان طبیعی است که شر را درک کنیم.

پس شر، درد و توانایی در ارتکاب معصیت، لازمه طبیعی و نتیجه آشکار بر ارادۀ آزادی و مکلفیت های الهی است.

وجود شر، بلا، مصیبت ها، و شهوت ها، بهترین موارد انسان صالح و بدترین موارد انسان فاسد را نمایان می کند.

و در کنار شر ما در خیر بی شمار زندگی می کنیم.

و نعمت های بی شمار.

و شر چیزی بسیار کم و ساده است در کنار خیر بزرگی که در آن زندگی می کنیم.

اگر در جهان شر نبود از جایی که در آن به دنیا آمده ای بیرون نمی آمدی!

و تمدنی وجود نمی داشت، و هیچ شهری، کارخانه ای، و خانه ای ساخته نمی شد، و مردم نیاز به کار نمی داشتند، و مردم برای جلب آسایش در فکر مقاومت در برابر بیماری و حل مشکل و ایجاد مفکوره نمی بودند!

در واقع مردم محتاج نمی شدند از جای که تولد شده اند انتقال یابند.

زیرا نه شر، نه سختی، نه مصیبتی، نه خستگی و نه مشکلی وجود دارد تا که برای حل آن جستجو نکنیم!

پس چرا خستگی، تا دیر وقت بیدار ماندن، فکر کردن و کار کردن؟

پس شر، ضرورتیست که در این جهان باید وجود داشته باشد!

بنابراین، باندیش!

و بسیاری از مردم گرفتار بلا و شر می شوند، پس به سوی الله باز می گردند و از جملهٔ صالحان می گردند، پس ثناء بر الله منزه و صاحب جلال و عظمت باد.

همه تقدیرات الهی خیر است، هر چند بعضی از آنها شر، تنگی و یا زیان ظاهری وجود داشته باشد، ولی در نهایت، دربرگیرندهٔ خیر و حکمت عظیم الهی می باشد.

پس شر هست چون تو مکلف هستی و نه این که تو مرتکب گناه ها در زندگی قبلی شده ای.

تسلیم در برابر الله متعال چه جلوه هایی دارد؟ یا به عبارت دیگر: از کجا می دانید که تو کاملاً تسلیم الله هستی؟

ج: نشانه های تسلیم در برابر الله متعال چهار است:

اول: بندگی الله متعال در هر کار کوچک و بزرگی در زندگی تان، الله متعال فرموده اند:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾ [الأنعام: 162-163]

“بگو: همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و زندگی و مرگم همه برای الله است که پروردگار جهانیان است که او را شریک نیست و به همین (اخلاص کامل) مرا فرمان داده اند و من اول کسی هستم که تسلیم امر الله ام . "

نماز و عبادت و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است: هر چه می کنم برای الله است، و این بندگی الله در همه کارها، و اولین جلوه ها و نشانه های تسلیم در برابر الله متعال است.

نشانه دوم برای این که کاملاً برای الله متعال تسلیم باشیم: پیروی از آنچه الله امر نموده، و از آنچه نهی کرده است دوری نماییم، الله متعال فرموده اند:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَأَنتُمۡ تَسۡمَعُونَ٢٠﴾ [الأنفال: 20]

“ای کسانی که ایمان آوردهاید، الله و رسول را اطاعت کنید و از او سرنپیچید در حالی که شما (سخنان حق را) می‌شنوید ".

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ٢٠٨﴾ [البقرة: 208]

“ای اهل ایمان، همه متّفقا در دین الله (اسلام) در آیید "

فِي السِّلْمِ : یعنی در اسلام

(ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً) کاملا در اسلام داخل شوید: یعنی به آنچه الله امر کرده است پایبند باشید و از آنچه نهی کرده است بپرهیزید.

به کاری که الله متعال مرا امر نموده انجام می دهم، و از کاری که نهی کرده از آن خودداری می نمایم، و این است معنی گردن نهادن و تسلیمی کامل در برابر الله متعال.

نشانۀ سوم تسلیم در برابر الله این است که: تسلیم بودن در برابر احکام الله متعال، به آن راضی بوده و آن را بپذیریم.

ما همه تشریعات الهی را در قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، قبول داریم، زیرا الله می داند که چه چیزی به صلاح مخلوقش است

﴿أَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ١٤﴾ [الملك: 14]

"آیا آن الهی که خلق را آفریده عالم به اسرار آنها نیست؟ و حال آنکه او بر باطن و ظاهر همه امور عالم آگاه است." الله متعال فرموده اند:

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٥٠﴾ [المائدة: 50]

"و کدام حکم از احکام الله نیکوتر خواهد بود؟ !"

و الله متعال می داند چه چیزی به خیر وصلاح دنیا و آخرت مردم است

و اجرای شریعت الله، مردم را پاک می سازد، و برای اونها زندگی با امنیت به ارمغان می آرود.

الله متعال فرموده اند:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابٗا رَّحِيمٗا٦٤﴾ [النساء: 64]

“ما رسولی نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر الله اطاعت او کنند."

و الله متعال پیامبران را نفرستاده تا این که آنها را رها نموده و به شریعت دیگران متوسل شویم.

الله متعال فرموده اند:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا ۝٦٥﴾ [النساء: 65]

“نه چنین است، قسم به الله تو که اینان (به حقیقت) اهل ایمان نمی‌شوند مگر آنکه در خصومت و نزاعشان تنها تو را حَکَم کنند و آن‌گاه به هر حکمی که کنی اعتراض نداشته، کاملاً (از دل و جان) تسلیم (فرمان تو) باشند."

در برابر قانون الله متعال باید کاملا تسلیم باشیم، و گردن نهادن در برابر قانون الله یکی از نشانه های تسلیمی در برابر اسلام است! و اما چهارمین نشانۀ تسلیم در برابر الله متعال عبارت است از: تسلیم در برابر قضای الهی، هر آنچه را که الله متعال به حکمت خود فیصله نموده باید تسلیم باشیم، بنابراین مسلمان در برابر تمام قضاهای (خیر و شر) الهی تسلیم می باشد.

اگر برای مسلمان خیر و خوشحالی برسد، سپاس الله را بجا می آورد، و اگر برایش مصیبت و سختی برسد، صبر می نماید.

پس هر مصیبت بنا بر حکمت و مکلفیت رخ می دهد.

همه چیز مطابق تقدیر و فیصلۀ الله متعال اتفاق می افتد: سلامتی، بیماری، ثروت و فقر، همه چیز به حکم و حکمت او اتفاق می افتد، و مسلمان باید به فیصله های الهی راضی باشد، زیرا الله متعال آنها را مقدر نموده است.

الله متعال فرموده اند:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩﴾ [القمر: 49]

"ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم ." . الله متعال فرموده اند:

﴿قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوۡلَىٰنَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٥١﴾ [التوبة: 51]

"بگو: هرگز جز آنچه الله برای ما خواسته به ما نخواهد رسید"

هرگز جز آنچه الله برای ما مقدر نموده نخواهد رسید.

الله متعال فرموده اند:

﴿وَمَا كَانَ لِنَفۡسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗاۗ وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلۡأٓخِرَةِ نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَاۚ وَسَنَجۡزِي ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٥﴾ [آل عمران: 145]

"و هیچ کس جز به فرمان الله نخواهد مُرد"

اجل ها را الله متعال تعیین کرده است.

هر چیزی که در جهان اتفاق می افتد، هر ذره ای که در جهان حرکت می کند، و هر اتفاقی که رخ می دهد، به علم الله، ارادۀ الله، فیصلۀ الله، به حکمت الله و قدرت الله اتفاق می افتد.

الله متعال فرموده اند:

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾ [الفرقان: 2]

" و همه موجودات را او خلق کرده، حد و قدر هر چیز را معین فرموده است"

او تعالی همه چیز را آفریده و هر چیزی را مقرّر کرده است، آنچه را که بخواهد واقع می شود، و آنچه را نخواهد واقع نمی شود.

من به عنوان یک مسلمان مکلف به تسلیم شدن در برابر همه تقدیرات الله متعال هستم

به همین ترتیب، انسان به الله متعال مسلمان می شود

در پایان! چگونه وارد اسلام شوم؟

اسلام دین الله برای همه انسانهاست، الله متعال فرموده اند:

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩﴾ [آل عمران: 19]

"همانا دین (پسندیده) نزد الله آیین اسلام است". اسلام دینی است که الله جز آن دین دیگری را نمی نمی پذیرد:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل عمران: 85]

“هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نمی شود، و او در آخرت از زیانکاران است"

بنابراین هر انسان هندو و غیر هندو باید اسلام را بپذیرد.

در اسلام رهایی از آتش جهنم و رسیدن به رضای الله و بهشت است.

داخل شدن در اسلام از بزرگ ترین نعمت هاست، بلکه بزرگ ترین و مهم ترین چیز در وجود تو است.

اسلام در واقع بازگشت به فطرت و عقل و وداها است.

وداخل شدن در اسلام بسیار آسان است و نیاز به تشریفات و امور رسمی ندارد، فقط انسان باید آن دو شهادت را به زبان آورده و بگوید:

أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدًا رسول الله

"شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست و شهادت می دهم که محمد فرستادۀ الله است."

و با این ترتیب او مسلمان می شود

سپس به عملی نمودن اسلام رو می آورد

شما را به دنبال نمودن سایت (اسلام هاوس) توصیه می کنم، هر یک براساس زبان خودش، تا این که تازه مسلمان نحوۀ عمل نمودن به اسلام را بیاموزد.

لینک سایت

https://islamhouse.com/ar/

فهرست